



عنوان: یوم الله؛ جمهوری اسلامی

صاحب امتیاز: مرکز رسیدگی به امور مساجد زیر نظر شورای سردبیری

شمارگان: ۳۸۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: فروردین ماه ۱۳۹۲

نشانی: تهران - خیابان جمهوری اسلامی - خیابان ۱۲ فروردین جنوبی

- کوچه دانش - پلاک ۲ - معاونت فرهنگی و اجتماعی مرکز رسیدگی

به امور مساجد

تلفن: ۶۶۴۸۰۰۴۵



فهرست

۴.....	حماسه سیاسی؛ حماسه اقتصادی
۴.....	مقن پیام رهبر انقلاب اسلامی به مناسبت حلول سال جدید
۷.....	محوریابی بیانات رهبر انقلاب اسلامی در اجتماع زائران حرم رضوی ^(ع)
۱۱.....	ریاست جمهوری و شوراهای شهر و روستاها
۲۳.....	نوروز و سبک زندگی
۲۴.....	۱. آغاز سال نو
۲۵.....	۲. توجه به بهار و درس‌هایی که از آن می‌توان آموخت
۲۶.....	۳. سنت‌ها
۲۷.....	۴. خرید و نونواری
۲۸.....	۵. شادی و تفریح
۲۸.....	۶. صلح و دید و بازدید و میهمانی
۲۹.....	۷. مفهوم عید و تشخیص اولویت مصادیق
۳۰.....	۸. تعطیلات
۳۰.....	۹. مسافرت
۳۱.....	۱۰. طبیعت و ارتباط با آن
۳۲.....	جمهوری اسلامی
۳۲.....	۱. پیش‌درآمد - طرحی نو و بی‌بدیل
۳۳.....	۲. چالش‌زدایی امامت - تبیین پیش از تشکیل
۳۶.....	۳. چالش‌زایی نظام سلطه - تخریب پیش از تشکیل
۳۸.....	۴. تفاوت حکومت اسلامی با جمهوری اسلامی
۴۰.....	۵. فرآیند تقدم در جمهوریت و اسلامیت
۴۲.....	۶. جمهوری اسلامی، یک کلمه زیاد - یک کلمه کم
۴۵.....	۷. جای خالی ۱۲ فروردین در نهضت مشروطه
۴۷.....	سخن آخر: ۱۲ فروردین، گام اول در فراسوی پیچ بزرگ تاریخی
۴۹.....	مسجد و سبک زندگی
۵۰.....	نگاه تمدنی به سبک زندگی اسلامی
۵۰.....	انسان طراز اسلام، زندگی طراز اسلام، مسجد طراز اسلام
۵۱.....	زندگی اسلامی و نقش مسجد در تحقق آن
۵۲.....	نقش مسجد در تبیین و تبلیغ سبک زندگی اسلامی

« **حماسه سیاسی؛ حماسه اقتصادی** »

متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به مناسبت حلول سال جدید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یا مقلب القلوب و الأبصار، یا مدبّر اللّیل و النّهار، یا محوّل الحول و الأحوال،
حوّل حالنا الی احسن الحال.

اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى حَبِيبَتِكَ سَيِّدَةِ نَسَاءِ الْعَالَمِينَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
آلِهِ. اللّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهَا وَ عَلَى آيِهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا. اللّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحِجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ
صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى ءَابَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ
نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عِينًا حَتَّى تَسْكُنَهُ اَرْضُكَ طَوْعًا وَ تَمَتَّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا. اللّهُمَّ اعْطِهِ فِي
نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ شَيْعَتِهِ وَ رَعِيَّتِهِ وَ خَاصَّتِهِ وَ عَامَّتِهِ وَ عَدُوَّهُ وَ جَمِيعَ اَهْلِ الدُّنْيَا مَا تَقَرُّ بِهِ
عَيْنُهُ وَ تَسَّرَ بِهِ نَفْسَهُ.

تبریک عرض می‌کنم به همه هم‌میهنان عزیزمان در سراسر کشور، و به همه ایرانیان در هر نقطه‌ای از جهان که هستند، و به همه ملت‌هایی که نوروز را گرامی می‌دارند؛ مخصوصاً به اینثارگران عزیزمان، خانواده‌های شهدا، جانبازان و خانواده‌هایشان، و همه کسانی که در راه خدمت به نظام اسلامی و به کشور عزیزمان مشغول فعالیتند. امیدواریم خداوند متعال این روز را و این آغاز سال را برای ملت ما، برای همه مسلمانان عالم، مایه شادی و بهروزی و نشاط قرار دهد و ما را به انجام وظایفمان موفق و مؤید بدارد. به هم‌میهنان عزیزمان عرض می‌کنم توجه داشته باشند که ایام فاطمیه در اواسط روزهای عید است و تکریم و احترام این ایام برای همه ما لازم است.

ساعت تحویل و هنگام تحویل، در حقیقت حد فاصلی است بین یک پایان و یک آغاز؛ پایان سال گذشته و آغاز سال نو. البته نگاه عمده ما باید به طرف جلو باشد؛ سال نو را ببینیم، برای آن خودمان را آماده کنیم و برنامه‌ریزی کنیم؛ اما حتماً نگاه به پشت سر و راهی که طی کرده‌ایم هم برای ما مفید است، برای این‌که ببینیم چه کرده‌ایم،

چگونه حرکت کرده‌ایم، نتایج کار ما چه بوده است، و از آن درس بگیریم و تجربه بیاموزیم.

سال ۹۱ مثل همه سالها، سالی متنوع و دارای رنگها و نقشهای گوناگون بود؛ شیرینی هم داشت، تلخی هم داشت؛ پیروزی هم داشت، عقب‌ماندگی هم داشت. زندگی انسانها در طول حیات، همیشه همین جور است؛ با کش و قوس‌ها همراه است، با فراز و نشیب‌ها همراه است؛ مهم این است که از نشیبها خارج شویم، خودمان را به اوچها برسانیم.

آنچه که در طول سال ۹۱ از جنبه مواجهه ما با جهان استکبار آشکار و واضح بود، عبارت بود از سختگیری دشمنان بر ملت ایران و بر نظام جمهوری اسلامی. البته ظاهر قضیه، سختگیری دشمن بود؛ اما باطن قضیه، ورزیدگی ملت ایران و پیروزی او در میدانهای مختلف بود. آنچه که دشمنان ما هدف گرفته بودند، صحنه‌ها و عرصه‌های مختلف بود؛ عمدتاً عرصه اقتصاد و عرصه سیاست بود. در عرصه اقتصاد، گفتند و تصریح کردند که می‌خواهند ملت ایران را به‌وسیله تحریم فلج کنند؛ اما نتوانستند ملت ایران را فلج کنند و ما در میدانهای مختلف، به توفیق الهی و به فضل پروردگار، به پیشرفتهای زیادی دست پیدا کردیم؛ که تفصیل آن‌ها برای ملت عزیزمان گفته شده است، گفته خواهد شد؛ من هم ان‌شاءالله در سخنرانی روز اول فروردین، به شرط حیات، اجمالاً مطالبی عرض خواهیم کرد.

در زمینه اقتصاد البته بر مردم فشار وارد آمد، مشکلاتی ایجاد شد؛ بخصوص که اشکالاتی هم در داخل وجود داشت؛ برخی از کوتاهی‌ها و سهل‌انگاری‌ها انجام گرفت که به نقشه‌های دشمن کمک کرد؛ لیکن در مجموع، حرکت مجموعه نظام و مجموعه مردم، یک حرکت رو به جلو بوده است و ان‌شاءالله آثار و نتایج این ورزیدگی را در آینده خواهیم دید.

در عرصه سیاست، از یک جهت همت آن‌ها این بود که ملت ایران را منزوی کنند، از جهت دیگر ملت ایران را دچار دودلی و تردید کنند؛ همت آن‌ها را کوتاه و ضعیف کنند. درست عکس این عمل شد؛ در واقع عکس این اتفاق افتاد. در زمینه انزوای ملت ایران، نه فقط نتوانستند سیاستهای بین‌المللی و منطقی ما را محدود کنند، بلکه حتی نمونه‌هایی از قبیل اجلاس جنبش غیر متعهدها با حضور تعداد کثیری از سران و مسؤولان کشورهای جهان در تهران تشکیل شد و عکس آنچه را که دشمنان ما می‌خواستند، رقم زد و نشان داد که جمهوری اسلامی نه فقط منزوی نیست، بلکه در

دنیا با چشم تکریم و احترام به جمهوری اسلامی و به ایران اسلامی و به ملت عزیز ما نگریسته می‌شود.

در زمینه مسائل داخلی، مردم عزیز ما در آنجائی که امکان و موقعیت ابراز احساسات وجود داشت عمدتاً در بیست و دوم بهمن سال ۹۱ آنچه را که لازمه حماسه و شور بود، از خود نشان دادند؛ از سالهای دیگر پرشورتر و متراکم‌تر در صحنه حاضر شدند. یک نمونه دیگر هم حضور مردم خراسان شمالی در بحبوحه تحریمها بود، که نمونه و مستوره‌ای از وضعیت و روحیه ملت ایران را نشان می‌داد نسبت به نظام اسلامی و به مسؤولان خدمتگار و خدمتگزار خودشان. کارهای بزرگی هم بحمدالله در طول سال انجام گرفته است؛ تلاشهای علمی، کارهای زیربنائی، تحرک فراوان مسؤولین و مردم. زمینه‌ها برای حرکت رو به جلو و ان‌شاءالله جهش، فراهم شده است؛ هم در زمینه اقتصاد، هم در زمینه سیاست، و هم در همه زمینه‌های حیاتی دیگر.

سال ۹۲ برابر چشم‌انداز امیدوارانه‌ای که به لطف پروردگار و همت مردم مسلمان برای ما ترسیم شده است، سال پیشرفت و تحرک و ورزیدگی ملت ایران خواهد بود؛ نه به این معنا که دشمنی دشمنان کاسته خواهد شد، بلکه به این معنا که آمادگی ملت ایران بیشتر و حضور او مؤثرتر و سازندگی آینده این ملت به دست خودشان و با همت با کفایت خودشان ان‌شاءالله بهتر و امیدبخش‌تر خواهد شد.

البته آنچه را که ما در سال ۹۲ در پیش رو داریم، باز عمدتاً در دو عرصه مهم اقتصاد و سیاست است. در عرصه اقتصاد، به تولید ملی باید توجه شود؛ همچنان که در شعار سال گذشته بود. البته کارهایی هم انجام گرفت؛ منتها ترویج تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، یک مسأله بلندمدت است؛ در یک سال به سرانجام نمی‌رسد. خوشبختانه در نیمه دوم سال ۹۱ سیاستهای تولید ملی تصویب شد و ابلاغ شد یعنی در واقع این کار ریل‌گذاری شد که بر اساس آن، مجلس و دولت می‌توانند برنامه‌ریزی کنند و حرکت خوبی را آغاز کنند و ان‌شاءالله با همت بلند و با پشتکار پیش بروند.

در زمینه امور سیاسی، کار بزرگ سال ۹۲، انتخابات ریاست جمهوری است؛ که در واقع مقدرات اجرائی و سیاسی، و به یک معنا مقدرات عمومی کشور را برای چهار سال آینده برنامه‌ریزی می‌کند. ان‌شاءالله مردم با حضور خودشان در این میدان هم خواهند توانست آینده نیکی را برای کشور و برای خودشان رقم بزنند. البته لازم است هم در زمینه اقتصاد، هم در زمینه سیاست، حضور مردم حضور جهادی باشد. با حماسه و با شور باید وارد شد، با همت بلند و نگاه امیدوارانه باید وارد شد، با دل پر امید و پر نشاط

باید وارد میدانها شد و با حماسه‌آفرینی باید به اهداف خود رسید.
با این نگاه، سال ۹۲ را به عنوان «سال حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی» نامگذاری می‌کنیم و امیدواریم به فضل پروردگار، حماسه اقتصادی و حماسه سیاسی در این سال به دست مردم عزیزمان و مسئولان دلسوز کشور تحقق پیدا کند.
به امید توجهات پروردگار و دعای حضرت بقیه‌الله (ارواحنا فداء) و با درود به روح مطهر امام بزرگوار و شهیدان عزیز.
و السلام علیکم و رحمۃ‌الله و برکاته

محوریابی بیانات رهبر انقلاب اسلامی در اجتماع زائران حرم رضوی (۴) واکنش دشمن به پیشرفت‌های ملت ایران:

- مانع تراشی برای جلوگیری از پیشرفت‌های بیشتر (تحریم، تهدید، مشغول کردن مدیران به کارهای فرعی و درجه دو)
- انکار پیشرفت‌ها و پیروزی‌های ملت ایران و پنهان کردن نقاط قوت و همچنین بزرگنمایی نقاط ضعف بوسیله شبکه عظیم تبلیغاتی در دنیا
نتیجه متوقف نشدن ملت ایران و تداوم پیشرفت‌ها: بی‌آبرویی دشمن

فهرست دشمنان ملت ایران:

- دولت آمریکا؛ مرکز توطئه و رأس و اساس دشمنی
- رژیم صهیونیستی؛ دشمن صهیونیستی در قواره و اندازه‌ای نیست که در صف دشمنان ایران به چشم بیاید (اگر غلطی از آن‌ها سر بزند، جمهوری اسلامی، تل‌آویو و حیفا را با خاک یکسان خواهد کرد)
- دولت خبیث انگلیس؛ ایفای نقش مکمل و دنباله روی آمریکا
- دولت فرانسه؛ دشمنی‌های آشکار ناهوشمندانه، غیر مدیرانه و غیر عاقلانه در چند سال اخیر

عرصه‌های دشمنی آمریکا با ملت ایران در سال ۹۱ و ارزیابی وضعیت:

- سیاسی:

- جهانی و منطقه‌ای:

- تلاش برای انزوای بین‌المللی ایران

- تلاش برای جلوگیری از گسترش سیاستهای منطقه‌ای و جهانی ایران

ارزیابی: شکست کامل دشمن و تجربه مجدد نفوذ و قدرت جمهوری اسلامی

شاهد:

- برگزاری موفق اجلاس کشورهای عضو جنبش عدم تعهد در تهران با حضور

دو سوم مسؤولان بلندپایه این کشورها و اظهار شگفتی و تحسین آن‌ها از پیشرفت‌های کشور

اعتراف به غیرممکن بودن حل مشکلات و مسائل مهم منطقه بدون حضور و

رأی ایران

اعتراف به نقش بی‌بدیل ایران در پیروزی مبارزان فلسطینی در جنگ غزه

- داخلی: تلاش برای ایجاد تردید در مردم و دلسرد کردن آن‌ها و فاصله انداختن

میان ملت و نظام

ارزیابی: ناکامی دشمن

شاهد: راهپیمایی متراکم و پر شور و احساس ۲۲ بهمن

- امنیتی: تلاش برای برهم زدن امنیت کشور

ارزیابی: عدم موفقیت دشمن

- اقتصادی: اعمال تحریم نفتی و تحریم پولی و مالی علیه کشور

ارزیابی:

اثر منفی: تأثیر منفی بدلیل وابستگی اقتصاد کشور به نفت

اثر مثبت:

۱- فعال شدن نیروها و ظرفیت درونی ملت ایران و دستیابی به توفیقاتی که در

فضای بدون تحریم اتفاق نمی‌افتاد.

شاهد: پیشرفت‌های بزرگ در حوزه علم و فناوری

۲- شناسایی بهتر و بیشتر نقاط ضعف و قوت کشور در رزمایش تحریم‌ها

نقاط ضعف و آسیب پذیر اقتصاد کشور:

وابستگی به نفت

بی‌اعتنایی به سیاست‌های کلان و اتخاذ سیاست‌های روزمره و پی‌در پی راه‌حل: سیاست اقتصادی کلان روشن، مدون و برنامه‌ریزی شده
۳- تبدیل کردن تهدید به فرصت با بنیه قوی کشور و وحدت و مسؤولیت‌پذیری

مسئولان

واقعیت:

اثبات امکان تحقق پیشرفت‌های بزرگ برای یک ملت بدون وابستگی به آمریکا و این‌که در سایه آمریکا زندگی نکردن بمعنای عقب افتادگی نیست

تدبیر کلی برای مقابله با عرصه‌های متنوع دشمنی با ملت ایران:

پیش‌بینی نقشه‌ها و حرکات بعدی دشمن و پیش‌دستی و جلوتر بودن از او در برنامه‌ریزی‌ها (لازمه اقتصاد مقاومتی)
نمونه: پیش‌بینی مانع تراشی دشمن در تأمین سوخت رآکتور تهران و تدبیر متقابل برای تولید سوخت ۲۰ درصد

پیشنهاد آمریکا برای مذاکره مستقیم هسته‌ای:

هدف آمریکا از بیان پیشنهاد مذاکره: تاکتیکی و بمنظور فریب افکار عمومی دنیا و ایران

هدف آمریکا از انجام مذاکره: تحمیل نظر بجای گفت‌وگو
برآورد ایران از مذاکره: غیرخوش‌بینانه (با توجه به رفتار غیر منطقی دولت آمریکا)

ادعاهای آمریکا در خصوص مذاکره با ایران:

- بدنبال تغییر نظام اسلامی نیستیم/ پاسخ: توان تغییر نظام را هم ندارید
- در مذاکره منطقی و صادق هستیم/ پاسخ: چرا در حالی که شما تأکید ایران بر حرکت نکردن به سمت سلاح هسته‌ای را باور نمی‌کنید، جمهوری اسلامی باید این ادعای شما را باور کند؟

برآورد از جهت گیری و راهبرد آمریکا در موضوع هسته‌ای ایران: عدم تمایل به حل مسئله/ دلیل: بهانه داشتن برای تداوم فشارها و دشمنی‌ها با ملت ایران
 راه حل موضوع هسته‌ای: اعتراف به حق غنی سازی ملت ایران و در عین حال اعمال مقررات و نظارت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی
 راه حل مشکلات بین ایران و آمریکا: دست برداشتن آمریکا از دشمنی با ملت ایران

انتخابات ریاست جمهوری:

برنامه دشمن: دلسرد و ناامید کردن مردم از حضور در انتخابات و بی‌رونق شدن انتخابات

چهار اصل برای انتخابات پیش رو:

- ۱- شور انتخاباتی و حضور گسترده مردم
- ۲- حضور همه سلیقه‌ها و جریان‌های معتقد به جمهوری اسلامی و دلسوز برای استقلال کشور و منافع ملی
- ۳- ضرورت تحقیق مردم از افراد معتمد برای شناخت گزینه اصلح/ مردود بودن هر گونه انتساب رأی و نظر به رهبری
- ۴- تمکین به قانون برای جلوگیری از تکرار رخدادهای تلخ سال ۸۸ و استفاده از راهکارهای قانونی برای رفع شبهات

معیار برای گزینه اصلح:

- پایبندی به انقلاب، ارزش‌ها، منافع ملی، نظام اسلامی، عقل جمعی و تدبیر
- حفظ نقاط قوت و امتیازات رئیس جمهور قبلی و نبود نقاط ضعف در رئیس جمهور بعدی

« ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی انتخابات یازدهم ریاست جمهوری و شوراهای شهر و روستاها

سؤال: این روزها برخی تحلیل‌گران سیاسی در سخنرانی‌ها و یادداشت‌های خود پیش‌بینی وقوع فتنه را حتی قبل از انتخابات یازدهم ریاست جمهوری می‌کنند. آیا این تحلیل درست است؟

بهترین پاسخی که به این سؤال می‌توان داد استناد به روایتی از امیرمومنان علی علیه السلام است که خطاب به یاران خود فرمودند: "و انْ اَخا الحرب الأرق و من نام لم ینم عنه" رزمندگان همواره باید بیدار باشند و هر که به خواب رود، دشمنش به خواب نرفته است.

رصد تحرکات نظام سلطه نشان می‌دهد که انتخابات یازدهم ریاست جمهوری به عنوان نقطه کانونی سناریوهای دشمن علیه جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته شده است.

در مدل جدیدی از خصومت که دشمنان نظام اسلامی طراحی کرده‌اند اجرای سناریوی هوشمند و چندمرحله‌ای «فشاری ثباتی مذاکره» در دستور کار قرار داده شده است. در این طراحی، از یک سو تلفیق مدل‌های پیاده شده در کشورهای مختلف و ترمیم نقاط ضعف در فتنه ۸۸ مد نظر قرار گرفته و از سوی دیگر سعی می‌شود با ایجاد آشفتگی اقتصادی، ایجاد اعتراض و آشوب اجتماعی و سیاسی در بستر انتخابات کلید بخورد.

از این رو حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای در بیانات ۱۹ دی ۱۳۹۱، خواستار رصد و زیر نظر گرفتن حرکتها و اقدامات دشمن شدند و فرمودند: «...انسان با هوشیاری و زیرکی، حرکت‌های دشمن را تفرّس (دانستن به علامت و نشان) کند، زیر نظر بگیرد و هدف‌های دشمن را کشف کند؛ این خیلی مهم است. اگر شما در یک مبارزه شخصی، در یک دفاع شخصی که در مقابل یک حریف قرار می‌گیرید، بتوانید حرکت او را پیش‌بینی کنید، هیچ ضربه‌ای نخواهید خورد. اگر حواستان پرت شد، غافل شدید، تمرکز را از

دست دادید، به چیز دیگری سرگرم شدید، نتوانستید پیش‌بینی کنید که او چه کار می‌خواهد بکند، حتماً ضربه می‌خورید. دشمن که نخوابیده، او بیدار است.»

بدیهی است که سلطه‌گران تلاش کنند تا از یک سو فرصت‌های جمهوری اسلامی را به تهدید تبدیل نمایند و از سوی دیگر، چالش‌ها و تهدیدات خود را به فرصت مبدل سازند. این مهم را در بیانات اخیر رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی) در ۱۹ دی ۱۳۹۱ می‌توان مشاهده کرد. معظم‌له فرمودند: «دشمن متوجه انتخابات ماست. انتخاباتی که در خرداد آینده در پیش داریم از نظر ما مهم است، از نظر دشمن هم مهم است؛ حواش به آن انتخابات است.»

در این میان جمهوری اسلامی ایران به صحنه انتخابات به عنوان ظرفیتی عظیم برای تجدید میثاق دوباره ملت با آرمان‌های انقلاب اسلامی چشم دوخته و در صدد است راهبردهای انتخاباتی خود را در میان امواج تهدیدها به سلامت به ساحل مقصود برساند.

سؤال: بر اساس شواهد متعدد می‌توان با قاطعیت اعلام کرد که تحرکات دشمن برای انتخابات ریاست جمهوری ایران در خرداد ۹۲ آغاز شده است اما سؤال اصلی آن است که مهم‌ترین سناریوی دشمن با هدف تأثیرگذاری بر انتخابات پیش روی چیست؟ اگر دشمن بخواهد انتخابات یازدهم ریاست جمهوری را که یک همایش ملی است از مسیر خود خارج کند و آن را تبدیل به یک پروژه امنیتی کند چه اقداماتی را انجام خواهد داد؟

همان گونه که در سؤال اشاره شد تحرکات دشمن آغاز شده و از ماه‌ها قبل این دسیسه‌ها قابل رصد بود. از همین روی قابل پیش‌بینی نیز بود که با نزدیک شدن به انتخابات خرداد ۹۲، تاکتیک‌های رسانه‌ای، سیاسی، اقتصادی و ترفندهای حقوق بشری آن‌ها به میدان کشیده شود.

برای همین است که به فاصله کمتر از سه ماه به انتخابات در ایران، دشمن تمام توان و پتانسیل خود را به صحنه آورده تا هدف مدنظرش را عملیاتی نماید. در همین راستا، مشاهده می‌شود که طی روزهای اخیر، بار دیگر بازار «تحریم»ها و صدور قطعنامه به اصطلاح حقوق بشری علیه ایران داغ شده است. از یکسو بنا بر

اتهامات واهی در بهمن ماه، قطعنامه‌ای در محکومیت آنچه که نقض حقوق بشر در ایران ادعا شده صادر می‌شود و در همین ایام آمریکا و اتحادیه اروپا نیز دور جدید تحریم‌ها علیه ایران را تصویب می‌کنند و حتی مقارن با این فضای فشارها و تحریم‌ها، صدا و سیمای جمهوری اسلامی هم در لیست تحریم‌ها قرار می‌گیرد.

بنابراین کمترین تردیدی وجود ندارد که در فاصله نزدیک به انتخابات، دشمن با اهرم فشارها و تحریم‌ها که مستقیماً زندگی مردم را نشانه رفته است قصد دارد تا سناریوی خود یعنی «کاهش مشارکت در انتخابات» را دنبال و رهگیری کند. در این سناریو ارزیابی می‌شود که تحریم‌ها و فشارها بتواند مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم را مضاعف کند و اخلال در تأمین پاره‌ای از اقلام ضروری، موج اعتراضی در جامعه ایجاد نماید. هرچند این سناریو تلاش می‌کند تا در نهایت حضور حداکثری مردم در پای صندوق‌های رأی را کم‌رنگ کند ولی طراحان و اتاق فرمان آن می‌دانند عملیاتی کردن این خواسته کار ساده‌ای نیست. از این روی برای کاهش مشارکت در انتخابات، «پروژه»‌هایی را در دستور کار قرار داده تا ضریب اجرایی شدن آن را افزایش دهد.

دشمن برای آن که انتخابات را از کارکرد سیاسی خارج و تبدیل به "کودتای مخملی" علیه نظام اسلامی کند اقداماتی را تدارک خواهد دید که ۶ محور زیر مقدمه‌ای برای یافتن پاسخ به این سؤال خواهد بود:

۱- نخستین کارکرد ضد امنیتی انتخابات، تبدیل کردن آن به محلی برای افشاگری و بر ملا کردن اسرار نظام در رقابت‌های سیاسی است. وقتی این موضوع از حد بگذرد، در واقع ماهیت انتخابات تقلب شده و برنده آن نه هیچ کدام از گروه‌های حاضر در صحنه بلکه دشمن خارجی خواهد بود که سخت تشنه دانستن این اطلاعات است و در فرصت دیگری قادر به دستیابی به آن نیست.

۲- دومین عاملی که می‌تواند انتخابات را به یک کودتای نرم تبدیل کند، تبدیل مفهوم مشارکت سیاسی مردم به آشوب و اغتشاش است. برای این‌که این اتفاق رخ بدهد عموماً به یک عامل واسطه نیاز است. در سال ۸۸ مفهوم تقلب این نقش را ایفا کرد و شواهد نشان می‌دهد این بازی همچنان پایان نیافته است.

۳- سومین کارکرد امنیت انتخابات تبدیل به فرصتی برای شبکه‌سازی است. آمریکایی‌ها اکنون حدود یک دهه است که این هدف را در ایران تعقیب می‌کنند و در سال‌های ۸۴ و ۸۸ به نحو کاملاً عملیاتی آن را پی‌گیری کرده‌اند. نشانه‌هایی هست که تلاش‌هایی برای تکرار آن تجربه هم در حال انجام است اگر چه این بار تجربه مدیریت

فتنه ۸۸ توسط نظام فضا را برای هر نوع عملیات شبکه سازی به شدت ناامن کرده است.

۴- چهارمین عاملی که می‌تواند انتخابات را به کانون یک عملیات مخملی تبدیل کند، هماهنگی برخی گروه‌ها از داخل کشور با بیرون و فراهم کردن زمینه تشدید فشار خارجی به نظام است. این پدیده‌ای است که اکنون در رفتار جریان فتنه به وضوح می‌توان آن را اشاره کرد.

۵- عامل پنجم تشدید شکاف‌های درون حاکمیت از طریق از حد گذشتن بگومگوهای انتخاباتی و تبدیل رقابت به مخاصمه است. تشدید شکاف‌های درون نظام یکی از مهم‌ترین عواملی است که دشمن را به تشدید فشار بیرونی ترغیب و نسبت به نتیجه بخش بودن آن امیدوار خواهد کرد.

۶- و آخرین عامل تبدیل انتخابات به صحنه‌ای برای مشروعیت زدایی از مکانیسم‌های ساختاری نظام و وسعت دادن به حوزه نقد تا جایی است که کلیت نظام و ارکان آن را هدف بگیرد.

یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها برای سنجش بصیرت گروه‌های سیاسی آن است که ببینیم تا چه حد از مشارکت در تبدیل انتخابات از یک پروژه سیاسی به یک پروژه امنیتی پرهیز می‌کنند.

سؤال: در پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب و همچنین در سخنرانی معظم له در حرم رضوی بر حضور و مشارکت گسترده مردم در انتخابات یازدهم ریاست جمهوری تأکید ویژه شد به خصوص که ایشان سال جدید را به مناسبت برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، به سال حماسه سیاسی نامگذاری کردند. چه عواملی باعث کاهش مشارکت مردم در انتخابات می‌شود؟

عوامل تأثیرگذار بر کاهش مشارکت مردم را به صورت اجمالی می‌توان در محورهای ذیل خلاصه کرد:

- دامن زدن به اختلافات سه قوه و کشاندن آن به میان مردم و رسانه‌ها
- ایجاد شکاف اجتماعی و سیاسی در بین نخبگان و برخی اقشار جامعه
- ترویج روحیه عدم اعتماد به نظام و مسؤولان در بین مردم

- ایجاد شبهه در مورد سلامت انتخابات در بین آحاد مردم
- تشدید تحریم‌ها و بروز مشکلات اقتصادی
- ناآرام کردن فضای امنیتی کشور با ترور، بمب‌گذاری و خرابکاری
- تلاش ناکافی در ایجاد بسترهای اقناعی و مدیریت افکار عمومی
- ایجاد اختلافات قومی، مذهبی و سوء استفاده از این اقدامات
- افشاگری‌های ناامیدکننده و بی‌اعتمادی نسبت به اوضاع کشور در بین مردم
- مخدوش کردن چهره نظام اسلامی و سلامت و کارآمدی آن
- تشکیک در سلامت انتخابات با هدف ایجاد فضای بی‌اعتمادی
- زیر سؤال بردن ویژگی مردمی بودن نظام و مخدوش کردن حضور یا دلسرد کردن مردم از مشارکت گسترده
- نفی جایگاه ولی فقیه و نظارت استصوابی به عنوان ناقضان آزادی انتخابات
- القای یأس و ناامیدی در مردم نسبت به نظام و مسؤولین
- مخدوش جلوه دادن الگوی مردم‌سالاری دینی

سؤال: آیا می‌توان مهمترین برنامه‌های دشمن جهت برهم زدن انسجام سیاسی و اجتماعی کشور را پیش بینی کرد؟

قطعاً بخشی از عملیات بی‌ثبات‌سازی علیه جمهوری اسلامی ایران به سرمایه‌گذاری برای احیا و بازتولید ظرفیت جنبش سیاسی اختصاص دارد. ویروس‌زدایی از فضای سیاسی و عمومی کشور، پس از فتنه ۸۸، ظرفیت ایجاد جنبش سیاسی علیه نظام را به حداقل رساند.

بر این اساس، به کما رفتن ظرفیت جنبش سیاسی علیه نظام یکی از دشواری‌های قدرت‌های سلطه‌گر برای دور جدید بی‌ثبات‌سازی محیط داخلی ایران است. در این میان، اگرچه تلاش می‌کنند با تغییر الگوی اعتراضات در نقطه‌عزیمت (از فاز سیاسی به فاز اجتماعی) بخشی از مشکل پیش روی خود را مرتفع سازند، اما پرواضح است که احیا و بازتولید جنبش سیاسی نیازمند محرک‌هایی است تا این ظرفیت را از حالت کما خارج کند و آن را آماده نقش‌آفرینی در فتنه آینده نماید.

بنابراین وارد ساختن محرک‌هایی به فضای سیاسی و عمومی کشور در چارچوب تلاش برای احیا و بازتولید ظرفیت جنبش سیاسی ارزیابی می‌گردد. این مهم در محورهای زیر قابل بررسی و تحلیل است:

۱- طرح کلیدواژه «انتخابات آزاد»

«انتخابات آزاد» یکی از کلیدواژه‌هایی است که در یک فاصله زمانی کوتاه به یک‌باره در فضای سیاسی و عمومی کشور منتشر و منعکس شد. کلیدواژه مذکور در واقع وارد ساختن یکی از محرک‌های اثربخش برای احیا و بازتولید جنبش سیاسی علیه نظام در آستانه انتخابات خردادماه ۱۳۹۲ است.

کلیدواژه انتخابات آزاد اولین بار توسط مقامات و رسانه‌های غربی مطرح شد و سپس توسط عناصر ضدانقلاب بازنشر یافت و از آن پس توسط فتنه‌گران در فضای سیاسی کشور عمومیت یافت.

۲- تشکیک در سلامت انتخابات

آحاد جامعه انتخاب را حق خود می‌دانند. از این رو، تشکیک در سلامت انتخابات به نوعی تزریق احساس محرومیت به افراد جامعه محسوب می‌گردد. بدیهی است در چنین شرایطی، پاسخ افراد به این محرک بعضاً در قالب دل‌سردی و عدم مشارکت در انتخابات و یا نارضایتی و اعتراض به روند و نتایج انتخابات تبلور می‌یابد. بر این اساس، زیر سؤال بردن روند انتخابات و ایجاد تشکیکی در سلامت آن، از طریق کاربرد کلیدواژه‌هایی همچون انتخابات مهندسی‌شده، ناظر بر تزریق محرک دیگری برای احیا و بازتولید ظرفیت جنبش سیاسی است.

۳- سیاه‌نمایی و بحران‌نمایی

سیاه‌نمایی و بحران‌نمایی از وضعیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... در کشور هدف، بخشی از سناریوی پیچیده‌جنگ روانی علیه حاکمیت کشور هدف (آماج) است. این اقدام از یک سو نیروهای مخالف سیاسی (اپوزیسیون) را در شرایط فعال قرار می‌دهد و از سوی دیگر، منجر به اقبال عمومی به آنان می‌گردد. دو روند مذکور در هم‌افزایی با یکدیگر منجر به شکل‌گیری یا بازتولید جنبش سیاسی علیه یک حاکمیت می‌شود.

۴- مطالبه‌گری نسبت به حاکمیت

پوشش دادن به نقاط ضعف نیروهای مخالف سیاسی و قرار دادن آنان در شرایط پیشرو (آوانگارد) نسبت به حاکمیت کشور آماج، بخشی از عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی است. این مهم از طریق مطالبه‌گری نیروهای مخالف نسبت به نظام حاکم محقق می‌گردد.

از سوی دیگر، این امر طرح مطالبات و زمینه‌های شکل‌گیری رفتار جمعی و ایجاد مطالبه عمومی را به وجود می‌آورد و جنبش سیاسی را در مسیر احیا و بازتولید قرار می‌دهد.

۵- اعتراض به احراز صلاحیت‌ها

علیرغم اصلاحاتی که در قانون انتخابات ریاست جمهوری به تصویب مجلس شورای نگهبان رسید اما این قانون هنوز دارای نقایصی است. یکی از این نقص‌ها امکان ثبت نام بسیاری از افراد و سپس کار دشوار شورای نگهبان در احراز صلاحیت‌ها است. دامنه این احراز صلاحیت‌ها شامل کاندیداهایی از فتنه و انحراف هم خواهد بود که رد هر کدام از این نامزدها پتانسیلی برای اعتراضات احتمالی باشد.

۶- اعتراض به نتایج انتخابات

با نزدیک شدن به زمان برگزاری انتخابات، رفتار اجتماعی هیجانی‌تر می‌شود و قطب‌بندی‌های دو یا چندگانه در جامعه شکل می‌گیرد. در این میان، نحوه و نتایج احراز صلاحیت‌ها و همچنین اعلام نتیجه انتخابات، محرک‌های متعددی مانند «انتخابات غیررقابتی»، «تخلف و تقلب» و... را تولید می‌کنند که هر کدام از آن‌ها برای احیا یا بازتولید جنبش سیاسی مؤثر خواهد بود. در این ارتباط، محرک‌های ایجاد جنبش اعتراضی در مدل انقلاب‌های رنگین و مخملین (یوگسلاوی و چکسلواکی سابق، گرجستان، اوکراین، قرقیزستان و فتنه ۸۸) شاهد مثال بسیار گویا و قابل تأملی است.

سؤال: آیا انتخابات ریاست جمهوری در ایران می‌تواند بر تحولات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرگذار باشد؟ در صورتی که انتخاباتی پرشکوه و گسترده را شاهد باشیم فرصت‌ها و تأثیرهای راهبردی آن چیست؟

جواب این سؤال قطعاً بله خواهد بود. فرصت‌های راهبردی پیش روی جمهوری اسلامی ایران در انتخابات ۱۳۹۲، که می‌تواند بازیگری ایران را در مناسبات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی متحول سازد، عبارت‌اند از:

۱- تقویت روند تحکیم رابطه امت و امام با ایستادگی و مقاومت بر گفتمان انقلاب اسلامی

۲- تولید قدرت ملی و قدرت نرم ناشی از مشارکت مردم در انتخابات ۹۲

- ۳- بهره‌گیری از قدرتهای تولیدشده برای عبور از پیچ تحریمها و فشارها
 ۴- تقویت روند بیداری اسلامی و محور مقاومت اسلامی
 ۵- ارتقای وضعیت جمهوری اسلامی ایران در شرایط پیچ تاریخی
 ۶- ارتقای سطح بازیگری جمهوری اسلامی ایران در شکل‌گیری هندسه جدید جهانی

سؤال: با توجه به برگزاری همزمان انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای شهرها، به نظر می‌رسد که جریان اصولگرا توجه خود را از انتخابات شوراهای کاسته و بیشتر هم و غم خود را معطوف انتخابات ریاست جمهوری کرده است در حالی که اخبار متعددی حکایت از سرمایه‌گذاری سنگین اصلاح‌طلبان برای انتخابات شوراهای ویژه در تهران دارد تا شاید مسیری برای بازگشت دوباره آنها به قدرت شود؟ آیا شما با این خطر گفته شده موافقید؟

کاملاً با احساس خطری که شما احساس می‌کنید ما هم موافق هستیم. اما قبل از ورود به بحث خوب است نکاتی را درباره انتخابات شوراهای و احتمال تصویب قانون جدید انتخابات شوراهای در مجلس، مطالبی را متذکر شویم. مطابق با تغییرات قانونی ایجادشده و اعلام وزارت کشور، چهارمین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا هم‌زمان با انتخابات ریاست جمهوری دور یازدهم در ۲۴ خردادماه ۱۳۹۲ برگزار خواهد شد.

این مسأله موجب شده است تا انتخابات آتی از حساسیت دوچندانی برخوردار باشد، چرا که در اصل دو انتخابات در یک روز برگزار خواهد شد. شاید یکی از دلایل شروع زودهنگام فعالیت‌های طرح انتخاباتی را نیز در تجمیع این دو انتخابات باید دانست؛ اقداماتی که اغلب در قالب رایزنی‌های غیررسمی و گاه رسمی و اعلام نظر در قالب گفت‌وگو و یادداشت‌های سیاسی در نشریات و سایت‌های مختلف شاهد آن هستیم.

نکته قابل توجه در انتخابات خرداد ۹۲ آن است که برای اولین بار تجمیع دو انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای شهرها را تجربه می‌کنیم؛ دو انتخاباتی که از تفاوت‌های ماهوی و ساختاری برخوردارند، اما هم‌زمانی آنها می‌تواند فرآیند طبیعی و تجربه‌شده

پیشین این دو انتخابات را به هم زند و تا حد زیادی تحت الشعاع شرایط تجمیع قرار دهد. مهم‌ترین تفاوت‌های این دو انتخابات بدین شرح‌اند:

۱- انتخابات ریاست جمهوری گزینشی برای عالی‌ترین مدیر اجرایی کشور است، در حالی که انتخابات شوراها حداکثر ناظر به گزینش مدیران میانی است. لذا میزان تأثیرگذاری آرای افراد بر سرنوشت کشور کاملاً متفاوت و قیاسی مع الفارغ است.

۲- انتخابات ریاست جمهوری ملی و سراسری است، در حالی که انتخاب شوراها منطقه‌ای و محلی است.

۳- انتخابات ریاست جمهوری بر انتخاب یک گزینه تأکید دارد، در حالی که در شوراها مجموعه‌ای از افراد برگزیده خواهند شد.

۴- سیاست تبلیغاتی افراد و احزاب و گروه‌های سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری با شرایطی کاملاً متفاوت نسبت به شوراها اتخاذ می‌شود.

۵- صیغه انتخابات ریاست جمهوری کاملاً سیاسی است، در حالی که این وضعیت در انتخابات شوراها تنها در شهرهای بزرگ دیده می‌شود و در شهرهای کوچک و روستاها جنبه غیرسیاسی آن پررنگ است.

۶- مکانیسم اجرایی و نظارتی این دو انتخابات کاملاً متفاوت است و شورای نگهبان بر انتخابات شوراها نظارت ندارد.

اهمیت انتخابات شوراها نسبت به انتخابات ریاست جمهوری برای

اصلاح‌طلبان

هرچند انتخابات ریاست جمهوری از آن‌چنان اهمیتی برخوردار است که بر فعالیت‌های انتخاباتی شوراها سایه انداخته است، اما حقیقت آن است که انتخابات شوراها نیز از اهمیت خاصی برخوردار است که جریان‌های سیاسی به سادگی نمی‌توانند از کنار آن بگذرند. ضمن آن‌که تقارن آن با انتخابات ریاست جمهوری نیز بر اهمیت آن افزوده است. این موضوع به دلایل زیر برای اردوگاه اصلاح‌طلبان بیش از اصول‌گرایان اهمیت دارد:

الف- امکان فعالیت بیشتر: با توجه به حساسیت‌های ایجادشده نسبت به این جریان به واسطه عملکردش در دو انتخابات گذشته ریاست جمهوری دهم و مجلس نهم و حرکت در قالب سناریوی کودتای مخملی و ایجاد فتنه و آشوب و در نهایت اتخاذ خط تحریم در انتخابات مجلس، امکان فعالیت حداکثری در انتخابات ریاست

جمهوری از این جریان سلب شده است. این محدودیت اقتضا دارد تا تحرکات سیاسی حداکثری این بار در میدان بازی آن انتخابات شوراها صورت پذیرد.

ب- امکان تأیید صلاحیت نامزدها؛ شاید مهم‌ترین وجه تمایز این دوره انتخابات با دیگر دوره‌ها در چگونگی بررسی صلاحیت کاندیداها باشد که از ید قدرت شورای نگهبان خارج شده است و وزن بیشتری برای نمایندگان مجلس و البته هیئت‌های اجرایی قائل می‌شود. همین موضوع در طول برگزاری سه دوره انتخابات باعث شده است تا میدان دادن به جریانات مختلف فکری بیشتر احساس شود. به واقع می‌توان گفت فضا در انتخابات شوراها نسبت به ریاست جمهوری و مجلس بازتر است و همین متفاوت بودن مکانیسم اجرایی و نظارتی انتخابات شوراها، برای اصلاح‌طلبان به فرصتی برای فعالیت مجدد در عرصه سیاسی کشور مبدل شده است.

ج- گستردگی و تکثر: با توجه به گستردگی انتخابات، که از شهرهای بزرگ تا روستاهای کوچک را در بر می‌گیرد، طبیعی است که تکثر نامزدها فضا را برای فعالیت بیشتر جریان اصلاح‌طلب فراهم خواهد کرد. در حال حاضر تعداد اعضای شورای اسلامی روستاهایی که تا ۱۵۰۰ نفر جمعیت دارند ۳ نفر عضو اصلی و روستاهای با بیش از ۱۵۰۰ نفر جمعیت و بخش‌ها، ۵ نفر عضو اصلی است. تعداد اعضای اصلی و علی‌البدل شورای شهر نیز به این ترتیب در قانون جدید پیش‌بینی شده است:

- شهرهای تا ۲۰ هزار نفر جمعیت، ۵ نفر عضو اصلی و ۲ نفر عضو علی‌البدل
- شهرهای از ۲۰ هزار نفر تا ۵۰ هزار نفر جمعیت، ۷ نفر عضو اصلی و ۳ نفر عضو علی‌البدل
- شهرهای از ۵۰ هزار نفر تا ۱۰۰ هزار نفر جمعیت، ۹ نفر عضو اصلی و ۴ نفر عضو علی‌البدل
- شهرهای از ۱۰۰ هزار نفر تا ۲۰۰ هزار نفر جمعیت، ۱۱ نفر عضو اصلی و ۵ نفر عضو علی‌البدل
- شهرهای از ۲۰۰ هزار نفر تا ۵۰۰ هزار نفر جمعیت، ۱۳ نفر عضو اصلی و ۶ نفر عضو علی‌البدل
- شهرهای از ۵۰۰ هزار نفر تا یک میلیون نفر جمعیت، ۱۵ نفر عضو اصلی و ۷ نفر عضو علی‌البدل
- شهرهای بیشتر از یک میلیون نفر تا ۲ میلیون نفر جمعیت، ۲۱ نفر عضو اصلی و ۸ نفر عضو علی‌البدل

- شهرهای بیش از ۲ میلیون نفر جمعیت، ۲۵ نفر عضو اصلی و ۱۰ نفر عضو علی‌البدل

- شهر تهران ۳۱ نفر عضو اصلی و ۱۲ نفر عضو علی‌البدل.
در مجموع می‌توان گفت که جمعیت شوراهای سراسر کشور حدود ۱۱۰ هزار نفر است که در انتخابات آتی به ۱۷۰ هزار نفر افزایش خواهد یافت.

د- بهره‌برداری از ویژگی منطقه‌ای و بومی بودن: بومی و منطقه‌ای بودن انتخابات شوراهای فضا را برای بهره‌برداری برخی هواداران موجه و خوش‌نام محلی جریان اصلاح‌طلب فراهم خواهد کرد. ضمن آن‌که با پیوند خوردن نگرش‌های بومی و قومی با گرایش‌های سیاسی نیز شرایط برای بهره‌برداری اصلاح‌طلبان مناسب خواهد شد.

ه- امیدواری به موفقیت در شهرهای کوچک: وجود تضادها و شرایط نابسامان اردوگاه اصلاح‌طلبان و ناتوانی از بسیج نیروها منجر شده است تا نسبت به توانایی آن‌ها برای بسیج سراسری نیروها تردید ایجاد شود. لذا تمرکز بر شهرهای کوچک، که به بضاعت کمتری برای فعالیت نیازمند است، در دستور کار اصلاح‌طلبان قرار گرفته است. احمد شیرزاد، نماینده مجلس ششم، در تحلیلش از انتخابات پیش رو می‌نویسد: «بنابراین تصور بنده این است که در تهران و شهرهای بزرگ نباید انتظاری فراتر از آنچه در انتخاب نمایندگان مجلس نهم رخ داد، داشته باشیم؛ اما در شهرهای کوچک و روستاها وضعیت کمی متفاوت است و ممکن است کاندیداهای مستقل و اصلاح‌طلب بتوانند پا به عرصه رقابت بگذارند. اگرچه تا آن زمان نمی‌توان فضای سیاسی حاکم بر کشور را پیش‌بینی کرد، اما این احتمال وجود دارد که برخی اصلاح‌طلبان که چهره‌های حساسیت‌برانگیزی برای جناح حاکم نیستند بتوانند کرسی شوراهای آن خود کنند.»

و- امیدواری به پیروزی در شهر تهران: نتایج انتخابات دهم ریاست جمهوری حکایت از رأی بیشتر موسوی نسبت به احمدی‌نژاد در شهر تهران داشت. این مسأله موجب شده است تا امیدهای بخشی از اصلاح‌طلبان برای پیروزی در تهران، در صورت تأیید صلاحیت نامزدهای مورد علاقه‌شان بیشتر از دیگر شهرها باشد. ضمن آن‌که با افزایش اعضای شورای شهر تهران از ۱۵ نفر به ۳۱ نفر، امکان ورود بخشی از اصلاح‌طلبان به این شورا نیز افزایش یافته است. نمونه‌هایی از این امیدواری را در برخی اظهار نظرات منسوبین به این اردوگاه می‌توان مشاهده نمود.

به عنوان نمونه، خانم ابتکار، عضو شورای شهر تهران، می‌گوید: «به نظرم زمینه پیروزی اصلاح‌طلبان در شهر تهران بسیار زیاد است. با توجه به نتایج انتخاباتی که تا

کنون برگزار شده و میزان پایین مشارکت در خیلی از بخش‌ها، به نظر می‌رسد که رأی تهران مشخص باشد. ما در انتخابات سال ۸۸ بیشترین نرخ مشارکت را داشتیم و شهر تهران نظرش را درباره اصول‌گرایان و رئیس‌جمهور وقت با رأی خود اعلام کرد.»

ز- فرصتی برای بازسازی تشکیلاتی اصلاح‌طلبان: علی‌رغم شرایط موجود، همچنان اصلاح‌طلبان بر این نظر هستند که در هر حالت، نفس برگزاری انتخابات فرصتی است برای فعالیت و سازمان‌دهی. بدین لحاظ، وقتی کاندیدایی در صحنه باشد، لاجرم ستاد انتخاباتی ایجاد می‌کند و این می‌تواند موجبات جمع شدن نیروها در استان‌ها و شهرستان‌ها را دور هم فراهم سازد و این برای اردوگاه ازهم‌گسیخته اصلاح‌طلبان فرصتی است که بتوانند بار دیگر انسجام را به اردوگاه خود بازگردانند.

این مسأله را می‌توان در گفتار منتشرشده برخی فعالین سیاسی اصلاح‌طلب، از جمله سعید حجاریان و احمد شیرزاد، مشاهده نمود. شیرزاد به این مسأله چنین تأکید دارد: «شیوه تصمیم‌گیری پیرامون انتخابات شوراها در مجموعه اصلاحات، در طول ادوار گذشته، به این شکل بوده است که یک تصمیم کلی را به شهرستان‌ها تحمیل نکنیم و بر اساس سنت حسنه‌ای که در سال‌های اخیر وجود داشته است، تصمیم‌گیری در شهرستان‌ها بر عهده نیروهای مستقر در آنجا گذاشته می‌شود. این واگذاری تصمیم محاسن زیادی دارد که یکی از آن‌ها گرد هم آمدن نیروهای اصلاح‌طلب حتی در شهرستان‌هایی با جمعیت کمتر از ۲۰ هزار نفر است. به اجماع رسیدن این نیروها از یک سو به قدرتمند شدن شبکه اصلاحات در کشور کمک می‌کند و از سوی دیگر، از بروز اختلافات جلوگیری می‌کند.»

نظر عمومی جبهه اصلاحات بر این است که با توجه به تعدد کاندیداها در این انتخابات و نیز وضعیت عمومی نیروهای سیاسی، بهتر است اصلاح‌طلبان نیروی خود را به سمت انتخابات شوراهای شهر و روستا سوق دهند اما همچنان تلاش‌های جدی برای فعال کردن جبهه اصلاحات در رقابت ریاست جمهوری یازدهم به شکل موازی در جریان است.

« نوروز و سبک زندگی

نظریه‌های مربوط به نحوه سبک زندگی، آنگاه کارآمد و مؤثر خواهند بود که در عرصه‌های مختلف زندگی، قابلیت تحقق داشته باشند، به همین دلیل صحنه‌هایی که امکان تحقق چنین نظریه‌هایی را فراهم می‌سازند از اهمیت به‌سزایی برخوردارند که نوروز یکی از آنهاست.

در خصوص مقدمه اول (ضرورت عملیاتی‌شدن سبک زندگی) توجه به روایتی از امام سجاد^(ع) گویا می‌باشد. حضرت می‌فرمایند: «خیر من الخیر فاعله» یعنی از خوبی بهتر، انجام‌دهنده خوبی است که به زیبایی، اهمیت تحقق آرمانها را بیان می‌نماید. شاید در همین راستا است که در قرآن کریم، صراط مستقیم به «صراط الدین انعمت علیهم» تعریف شده و نیکی و برّ با بیان ویژگی‌های مشخص نیکوکار تبیین شده است «و لکن البرّ من آمن بالله».

مقدمه دوم نیز (ظرفیت عید نوروز در تحقق سبک زندگی) همان چیز است که این مقاله در صدد پرداختن اجمالی به آن است و آن وجود مؤلفه‌های فراوان و با اهمیت در سنت نوروز است که آن‌را به عرصه‌ای بسیار مهم برای تحقق جنبه‌هایی از سبک زندگی اسلامی مبدل ساخته است.

در واقع در مورد نوروز، سخن از یک رفتار جمعی صرف نیست بلکه عرصه‌ای است که از مؤلفه‌های متعددی تشکیل شده که در ذیل به تعدادی از آن‌ها و بیان اجمالی رابطه آن با سبک زندگی مطلوب اسلامی - ایرانی خواهیم پرداخت.

توجه به این مؤلفه‌های متعدد و متنوع، گستره انطباق عرصه نوروز با بسیاری از مصادیقی که مقام معظم رهبری برای سبک زندگی بیان نمودند را بیش از پیش آشکار می‌سازد، مصادیقی همچون تقویت روابط خانوادگی، نوع لباس، نوع خوراک، تفریحات، رفتار با پلیس، سفرها، نظافت و طهارت، صلح‌رحم، فرهنگ رانندگی، آرایش مردان و زنان، پشت سر هم حرف‌زدن، کارگریزی، احترام به قانون، مصرف‌گرایی (و رواج آن و

افتخار به آن) و...

نکته‌ای که جا دارد در همین آغاز مورد توجه واقع شود تقارن بهار و نوروز ۹۲ با ایام فاطمیه و شهادت حضرت زهرا(س) سبک خاصی از برخورد را می‌طلبد این سبک به‌طور کلی همان چیزی است که در عرف عقلا مطلوب و حتی در عرف عام مردم معمول می‌باشد، چه رسد به روش پسندیده نزد متدینان.

در واقع در نزد عقلا و عموم مردم که برای هم‌نوعان خود و احساسات آنان ارزش قائل هستند همواره نادیده گرفتن و گذاشتن از شادی به خاطر غم و اندوه قابل اعتنای دیگران امری مرسوم است. این همان موضوعی است که در روایتی از امام عسکری(ع) به عنوان تبیین محدوده ادب - که امری پسندیده نزد همگان است - بیان شده که فرمود: اظهار شادی در نزد غم‌دیده از ادب نیست «لیس من الادب اظهار الفرح المحزون» در نزد متدینان و عرف حزب‌اللهی جامعه که همواره برای ارزشها و موضوعات دینی درجه اول از اعتبار را قائلند، این مطلب یعنی ایجاد توازن صحیح بین رعایت شادی عرفی و سنتهای پسندیده نوروز با موضوع مهم شهادت یگانه دخت پیامبر و رعایت اولویت آن واضح‌تر از آن است که نیازی به تذکر داشته باشد.

در حقیقت از چنین منظری این تقارن فرصتی است که بنده خدا اهمیت رضایت خدا نسبت به تمایلات خویش را عملاً ثابت می‌کند و موجب ارزش بیشتر اشک و آه و ناله فاطمیه‌اش می‌گردد. همه این‌ها آن درکی است که براساس آن، ملت فهیم ایران اسلامی در تقارن نوروز با ایام محرم در چند سال پیش از این نیز آنی را به عرصه ظهور رسانده و امسال نیز در ایام فاطمیه یک بار دیگر این ادب دینی خویش را نمایان می‌سازد.

۱. آغاز سال نو

تبدیل سال و آغاز سال نو یکی از مؤلفه‌های موجود در پدیده نوروز است که خود نقاط قابل توجهی همچون توجه به گذر عمر، محاسبه سال گذشته و برنامه‌ریزی برای سال آینده را در بر می‌گیرد. همان‌گونه که در فرهنگ ملی، معمولاً در اواخر سال به جمع‌بندی و حساب‌رسی تعاملات اقتصادی و تعیین تکلیف و تسویه حساب‌ها پرداخته می‌شود، در فرهنگ دینی که عدم محاسبه در دوره‌های مشخص، با کیفر محسوب‌نشدن از پیروان اهل بیت مواجه شده «لیس منا من لم يحاسب نفسه فی کل

یوم»، ضرورت پرداختن به محاسبه ابعاد مختلف زندگی روشن می‌گردد. در این رابطه توجه به روایتی که برای روز آخر سال ذکر شده، جالب به نظر می‌رسد (البته این روایت در مورد روز آخر سال قمری است که مسلماً قمری بودن در آن موضوعیتی ندارد). در این روایت ضمن بیان دو رکعت نماز و دعایی کوتاه، در فضیلت آن آمده که هر کس این عمل را انجام دهد، شیطان از او به فریاد آمده و می‌گوید هرچه در این یک سال تلاش کردم، با این عمل خنثی و نابود شد (که روشن است حقیقت این عمل توجه به عملکرد یک‌ساله و توبه از کوتاهی‌هاست).

توجه به گذر عمر نیز به خودی خود با تجلیل نوروز، پیوندی آشکار دارد که برای آنانی که در گذر لحظه‌ها، روزها و شبها، هفته‌ها و ماه‌ها دچار غفلت بوده‌اند، گذشت یک سال از عمر را یادآور می‌گردد و به قول شاعر:

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو / یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو
موضوع دیگر در زمینه توجه به تبدل سال، برنامه‌ریزی برای سال آینده است که در دعای تحویل سال به گونه‌ای دلنشین مورد عنایت قرار گرفته است: «حَوْلَ حَالِنَا الی احسن الحال» و این نکته آنگاه جالب‌تر می‌شود که بنا به برخی اقوال تا ۳۶۵ بار به تکرار این ذکر سفارش شده که حکایت از توجه به روزهای سال در پیش رو می‌باشد که هر یک گامی برای رسیدن به بهترین وضعیت‌هاست.

نکته‌ای که در زمینه توجه به گذشته و آینده نباید مورد غفلت قرار گیرد، توجه به وضعیت‌های غیرفردی و اجتماعی است. جامعه و نظام ما، سال گذشته را در چه وضعیتی پشت سر گذارده و برای روند آینده آن چه باید کرد. خصوصاً با توجه به آن که سال گذشته به یک بیان سال مقاومت ملی در برابر تحریم‌ها و شکستن کمر تحریم‌کنندگان در راهپیمایی ۲۲ بهمن بود که اولین نمود آن در نشست با ۵+۱ در آلماتی نمایان شد و دل رهبری معظم را شاد نمود.

۲. توجه به بهار و درس‌هایی که از آن می‌توان آموخت

سلیقه عالی انتخاب آغاز بهار برای آغاز سال نو، حکایت از درک و فهم و معرفت فراوان انتخابگران آن دارد. بهار فصل شکوفایی و بالندگی و نشاط و سرزندگی است و هم‌چنین فصل دوباره رویدن و نوشدن که هر یک از این‌ها به‌تنهایی برای درس گرفتن انسان‌های بیدار کافی است.

در خصوص توجه به بهار و نشاط آوری آن، موضوع اهمیت محیط زیست و ضرورت محافظت از آن نیز مطرح است. جدی گرفتن آنچه در جهت تقویت محیط زیست بایسته است و آنچه در جهت جلوگیری از تخریب آن لازم است. مسلماً در این زمینه نیز سهم فرد و حکومت، هر دو باید مورد توجه قرار گیرد.

نکته دیگری که قرآن نیز مکرراً آن را بیان نموده، متوجه شدن به زنده شدن پس از مرگ به واسطه توجه به زندگی مجدد زمین در بهار است. در قرآن، ضمن بیان ویژگی «یحیی الارض بعد موتها» و نسبت دادن آن به خدا برای بیان لطف و رحمت و قدرت الهی، با این عبارت کوتاه که می‌فرماید: «و کذالك تخرجون»، انسانها را به زندگی دوباره پس از مرگ و خروج از قبر متذکر می‌سازد که برای بهره‌مندی از عمر، تأثیر بی‌مانندی خواهد داشت.

۳. سنت‌ها

رشد بشر در یک سیر طولی و تشکیل شده از تلاش و پویایی نسل‌هایی پی‌درپی است که همچون حلقه‌هایی، زنجیره پیشرفت را می‌سازد. روشن است بر چنین اساسی، ارتباط بین نسل‌ها که زمینه بهره‌مندی هر نسل از ثمرات تلاش‌های نسل‌های گذشته را فراهم می‌سازد، نقش بسیار تأثیرگذاری خواهد داشت. از این منظر، حرکت رو به کمال جامعه انسانی مانند دو امدادی است که هر نفر بعد از انجام حرکت خود، مقدمه‌ای برای آغاز حرکت نفر بعدی می‌باشد. اندکی توجه می‌فهماند که سنت‌ها برای ایجاد نگاه مثبت و پیوند میان نسل‌ها، کارکردی بسیار حائز اهمیت دارند. نوروز به‌عنوان سنتی بسیار شگرف که آحاد افراد پارسی‌زبان را با یکدیگر و با پیشینه تاریخی‌شان پیوند می‌زند، یکی از بزرگ‌ترین سنت‌های ملی که از تأیید ضمنی اسلام عزیز نیز بهره‌مند است، قابل توجه جدی می‌باشد. البته در زمینه سنت‌ها، پالایش و جداسازی خوب و بد و پذیرش سنت‌های خوب و طرد سنت‌های غلط از امور عقلی است که در آیات متعددی از قرآن نیز به آن اشاره شده است. روشن است تأکید بر اهمیت نوروز با ارزش‌گذاری جداگانه برخی مواردی که به‌عنوان سنت‌های نوروزی ذکر می‌شود و ممکن است برخی از آن‌ها مثبت و برخی منفی و مضر ارزیابی گردند، منافاتی ندارد. سنت‌هایی مانند نظافت و خانه‌تکانی و یا صلح و دید و بازدید، هرگز با مقوله‌هایی انحرافی و خرافی چون چهارشنبه‌سوری و سیزده‌بدر در یک طراز قرار نخواهند گرفت.

در زمینه سنت‌ها توجه به این نکته لازم است که برخی سنت‌ها ممکن است برای عرف عام پذیرفتنی باشد اما برای عرف خاص متدینان و خانواده‌های حزب‌اللهی پسندیده نباشد. بنابراین طرح برخی از سنت‌ها در رسانه‌ها نباید به معنی مناسب بودن آن سنت‌ها برای این‌گونه خانواده‌ها تلقی شود. در روایتی که از شوم‌بودن سفر در چهارشنبه آخر ماه از امام کاظم^(ع) سؤال شده، حضرت می‌فرماید: اگر کسی برای مخالفت با چنین موضوعی عمداً در چهارشنبه آخر ماه سفر کند، موفق و مشمول دعای مستجاب خواهد شد؛ و این به معنای مخالفت عملی با برخی سنت‌هاست. در روایتی دیگر نیز امام هادی^(ع) انتظار خویش از متدینانی که با اهل بیت و دین رابطه خاصی دارند را این‌گونه بیان فرمودند که ای فلانی! تو با ما رفت و آمد و رابطه داری و این‌گونه می‌اندیشی یا عمل می‌کنی؟ بنابراین وظیفه متدینان است که با استفاده از روش‌های پسندیده در مقابل سنت‌های ناپسند، ایستادگی و در راه تغییر آن تلاش نمایند.

۴. خرید و نونواری

به‌طور مسلم کنار گذاشتن لوازمی که کارایی خود را از دست داده‌اند و یا تهیه لوازمی که نیاز جدیدی را رفع می‌کنند و یا امکان تهیه آن‌ها در قبل وجود نداشته، یکی از کارهای ضروری و مفید می‌باشد اما در این‌جا لازم است به اصول سبک زندگی اسلامی مانند جلوگیری از اسراف و تجمل‌گرایی و چشم و هم‌چشمی و تبذیر توجه نمود. این‌که پیامبرش با صفت «خفیف المؤمنة» (کم‌بار و کم‌مصرف‌بودن) توصیف می‌شود، مسلماً با چنین اموری سازگاری نخواهد داشت. گاهی با مختصر تعمیر می‌مکن است از یک وسیله برای مدتی دیگر استفاده نمود که امری بسیار پسندیده می‌باشد. در بیان مقام معظم رهبری در خصوص سبک زندگی به این نکته اشاره شده بود که مصرف‌گرایی، هزینه‌کردن در امور غیر ضروری است و نکته منفی در خصوص آن، رواج و افتخار به آن است که لازم است نسبت به آن حساسیت به‌خرج داده شود. علاوه بر این، امری که در خرید عید لازم است مورد توجه قرار گیرد، رعایت اصول لباس اسلامی - ملی است. لباسهایی که پوششی مناسب و متناسب با سن و جنس و باورهای دینی افراد باشد.

هم‌چنین - به‌خصوص در سال جاری - توجه به خرید وسایل داخلی بیش از همیشه باید مورد توجه قرار گیرد چرا که عنوان این سال «حمایت از تولید ملی و سرمایه ایرانی» بوده است.

تخصیص قسمتی از توان خرید به نیازمندان نیز مصداق «فی اموالهم حق معلوم» خواهد بود که در قرآن سفارش شده است.

۵. شادی و تفریح

رسول خدا (ص) می‌فرماید: به سرگرمی و بازی بپردازید زیرا دوست ندارم سخت‌گیری و خشونت در دیتتان مشاهده شود و از علی (ع) نقل شده: اوقات سرور، مایه طراوت و نشاط است. (کتاب مفاتیح الحیاة)

جنبه جشن و شادی در نوروز آنچنان قوی است که «عید» را به مفهوم زمان شادی و سرور نزدیک ساخته است. به‌طورقطع شادی و نشاط آنگاه که از زمینه‌های صحیح نشأت گیرد، نمایانگر روند صحیح کلیت سیر زندگی است و به‌نوبه خود می‌تواند زمینه را برای انجام امیدوارانه برنامه‌های بعدی فراهم سازد. به‌همین جهت در فرهنگ دینی بر روی چرایی و خاستگاه شادی تکیه شده و «فَرَح» بودن به‌عنوان شادمانی به‌دلیل امور خیالی و توهمی و بی‌ارزش مورد مذمت قرار گرفته است: «ان الله لایحب الفرحین» در مورد رفتار سرخوشانه قارون به‌دلیل شادمانی از داشتن ثروت فراوان به‌کار رفته است. در همین رابطه قرآن کریم در تبیین چرایی دسته‌ای از مصیبت‌هایی که در مسیر زندگی انسان‌ها قرار دارد، می‌فرماید: «لکیلاتأسوا علی ما فاتکم و لاتفرحوا بما آتاکم».

در روایات زیادی نیز از این ویژگی انسانهای برجسته سخن به میان آمده که شادی و ناراحتی‌شان، آن‌ها را از مسیر بندگی و رعایت عدل و انصاف خارج نمی‌سازد. این‌ها یعنی هم منشأ شادی مهم است و هم چگونگی ابراز آن و هم آنچه که بر اساس شادی به آن اقدام می‌شود. بنابراین نباید فضاهای شادی با اعمال ناپسند و غفلت توأم گردد. تفریح نیز در فرهنگ دینی اگر مقدمه‌ای برای توان‌افزایی در جهت انجام وظائف و بهره‌مندی از زمینه‌های تکامل فردی و اجتماعی باشد و در قالب صحیح بروز نماید، امری پسندیده است: «و بهذه الساعة تُعین علی سائر الساعات».

۶. صلح و دید و بازدید و میهمانی

همبستگی اجتماعی در تمامی سطوح از ارزش‌های مهم اجتماعی است که در حرکت اجتماعی رو به کمال، نقش ویژه‌ای دارد که اسلام عزیز از راه اهمیت‌دادن به

روابط خانوادگی و در پی آن ارتباطات خویشاوندی به صورت زیربنایی، این مهم را تأمین و سپس با تقویت روابط ایمانی بین آحاد مسلمانان، آن را تقویت نموده است. در ابتدای سوره نساء، رعایت خویشاوندی در کنار رعایت خدا مطرح و از مسائل مورد بازخواست عنوان گردیده است. در سه جا از قرآن، قاطع رحم مورد لعن واقع شده (بقره ۲۷، رعد ۲۵، محمد^(ص) ۲۲ و ۲۳) و از گناهان کبیره (تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۷۴) به شمار آمده است.

کسب اطلاع از نیازهای مادی و معنوی خویشان و تلاش در جهت رفع آن، استحکام اجتماعی را به صورت همه جانبه تأمین خواهد کرد. البته روشن است بهره‌برداری کامل از این ظرفیت شرایط خاص خود را می‌طلبد که بی‌توجهی به آن‌ها می‌تواند اثرات آن‌را خنثی و یا حتی منتفی نماید. به عنوان مثال اگر در دید و بازدیدها به جای ارزش‌ها، ضدارزشهایی چون مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی، روابط بی‌ضابطه میان نامحرمان (اختلاط)، غیبت و تهمت و... رواج یابد، قطعاً از حیطة صله رحم مورد سفارش خارج خواهد شد. مولوی با مثال رسیدگی میزبان به مرکب میهمانی که در زیر باران نگاه داشته شده به جای رسیدگی به شخص میهمان، به این مهم اشاره می‌کند که لازم است در میهمانی‌ها به فکر نیازهای روحی و معنوی میهمانان هم بود.

۷. مفهوم عید و تشخیص اولویت مصادیق

«اعیاد» هر قومی از باورها و ارزش‌های مطلوب آن‌ها حکایت می‌کند و ارتباطی دوسویه میان آن‌ها برقرار است. بنابراین لازم است از این ارتباط دوسویه بهره‌برداری مناسبی صورت پذیرد که یکی از راه‌های آن، جهت‌دهی جامعه به سمت اعیاد بر اساس اولویت‌هاست. در این نگاه بدون آن‌که ارزش و جایگاه نوروز مورد بی‌توجهی قرار گیرد، سایر اعیاد ملی و مذهبی مورد عنایت جدی‌تری واقع می‌شود، اعیاد ملی همچون دهه مبارک فجر پیروزی انقلاب اسلامی و روز جمهوری اسلامی و یا اعیاد مذهبی چون جمعه، فطر، قربان و غدیر.

روایت مشهور «کل یوم لایعضی الله فیه فهو عید» و یا روایاتی که غدیر را «عید الله الاکبر» می‌نامند، در این راستا ارزیابی می‌شوند.

۸. تعطیلات

تعطیلات به معنای فراغت مطلق نه ممکن است و نه مطلوب اما اگر منظور از تعطیلات، تعطیل روند معمول کار رسمی و زمینه‌ای برای پرداختن به سایر امور باشد، قطعاً امری پسندیده خواهد بود. تعبیر «فاذا فرغت فانصب و الی ربك فارغب» به یک معنا تأکید بر عدم تعطیلی مطلق است. شاید یکی از علت‌های مخالفت بیش از حد برخی از افراد با زیادی روزهای تعطیلات در کشور، ناشی از این نگرش باشد. اگر جمعه در اسلام به عنوان عید هفتگی تعطیل است، در عین حال با حفظ تنوع، برنامه‌های فراوانی برای انجام در آن روز سفارش شده است. نظافت و بهداشت، صله رحم، عبادات فردی و یا عبادات اجتماعی همچون نماز جمعه و عیادت از بیماران و... از این برنامه‌هاست.

۹. مسافرت

سیر در زمین اگرچه مفهومی عمیق است که مطالعات تاریخی و تفکر در نتایج عملکرد امت‌ها را در بر می‌گیرد، در عین حال قطعاً گشت و گذار که تقویت ارتباطات را موجب می‌شود و با جدایی از روند معمول زندگی، زمینه خلوت و یا ارتباط با طبیعت را فراهم می‌سازد را نیز در بر می‌گیرد.

از امیرالمؤمنین^(ع) نقل شده که سفر کنید و برای آن پنج فایده ذکر نموده است و از رسول خدا^(ص) نیز نقل شده که مسافر یکی از سه گروهی است که دعایش بدون شک مستجاب خواهد بود. شاید از ترخیص در رکعاتی از نماز که به عنوان «رخصت و هدیه‌ای برای مسافر» اعلام گردیده نیز نوعی تشویق سفر استنباط گردد.

دستورات زیادی در آموزه‌های دینی نسبت به نحوه سفر و ضرورت سفر جمعی و رعایت روابط بسیار نیکو با هم‌سفران وارد شده که از جمله آن‌ها، تنظیم سفر به گونه‌ایست که به امر نماز و دین لطمه وارد نشود. علی^(ع): «لا یخرج الرجل فی سفر یخاف فیه علی دینه و صلاته» (کتاب خصال)

نکته‌ای که جا دارد به عنوان مصداقی از مصادیق ذکر شده از سوی رهبری معظم در زمینه سبک زندگی به آن توجه شود که به تعبیر ایشان «مسأله کوچکی هم نیست»، موضوع فرهنگ راندگی است. البته این موضوع به موضوع احترام به قانون و یا نوع رفتار با پلیس که ایشان ذکر کرده‌اند نیز مربوط می‌باشد. اهمیت این موضوع

آنجا مشخص می‌شود که متأسفانه سالانه تعداد قابل توجهی از هموطنان ما بر اثر سوانح رانندگی که خصوصاً در ایام تعطیلات نوروزی آثار منفی فراوانی در پی دارد با حوادث غیرقابل جبرانی مواجه می‌گردند. جا دارد در این‌جا به روند مثبت عنایت به این موضوع که اثر آن در کم‌ترشدن تعداد این سوانح علی‌رغم افزایش میزان مسافرتها توجه نماییم و بر ضرورت تقویت این روند پافشاری کنیم.

هم‌چنین در زمینه مسافرتها توجه به سیر صعودی و تفاخرآمیز سفرهای خارجی و یا سفرهای پرخرج داخلی نیز ضروری می‌باشد. مسافرت‌هایی که در بسیاری از آن‌ها - مطابق بیان روایت فوق‌الذکر - اگر لذتی هم هست به قیمت «لطمه به دین» صورت می‌پذیرد. در مقابل این‌گونه سفرها، سفرهایی است که در عین در بر داشتن تنوع و تفریحات، هدفهای سازنده‌ای را در بر دارد که الحمدلله سفرهای فراوان زیارتی از این دسته سفرهاست که در میان مردم ما رواج فراوان دارد. سفرهایی که تحت عنوان «اردوهای راهیان نور» به‌صورت گسترده انجام شده و می‌شود، از این‌گونه سفرهاست که البته شاید برترین الگوها در این زمینه، «اردوهای جهادی» است که سفر را در راستای «خدمت» و «انجام فعالیت‌های مفید» تعریف می‌نماید و بالاخره خوش به حال آنان که سال نو را با سفر به اماکن زیارتی و مقدسه شروع می‌کنند.

۱۰. طبیعت و ارتباط با آن

دستورات مختلف اسلام، مشحون از ایجاد و تقویت رابطه با طبیعت است که به‌طور مسلم تأثیرات گوناگونی در روحیات انسان خواهد داشت. توجه به طلوع و غروب و اول و نیمه و آخر ماه و غسل و وضوی با آب و تیمم با خاک و توجه به قبله و... زمینه ارتباط دائمی با طبیعت را فراهم می‌سازد. آیات فراوان قرآن که طبیعت را به‌عنوان «آیات آفاقی» مطرح می‌نماید و قسم‌های متعدد به جلوه‌های طبیعت نیز در همین ردیف قرار می‌گیرد. در روایات، لازمه زندگی و سکونت، به هوای پاک و آب گوارا و زمینی بارور اعلام شده و برای درختکاری پاداش ذکر شده و طی دستوراتی از واردکردن آثار زینبازار به طبیعت منع شده است. طبیعت در بهار جلوه فزون‌تری می‌یابد و از باب «ارسله معنا غداً یرتع و یلعب» محیط مناسبی برای بهره‌مندی خواهد بود. نکته مهم در این رابطه، اشکال منحصرکردن روز طبیعت به یک روز و آن‌هم روز سیزده فروردین که با اما و اگرهایی توأم است و نگاهی اصلاحی را می‌طلبد.

« جمهوری اسلامی

ره‌توشه تمدن بزرگ نوین اسلامی در پیچ بزرگ تاریخی

۱. پیش‌درآمد - طرحی نو و بی‌بدیل

«می‌شود آن را غیر منتظره نامید ولی بی‌بدیل؟ نه! خطرناک‌تر از نهضت تحریم تنباکو و مشروطه و ۳۰ تیر که نیست، حداکثر می‌توان گفت: ۱۵ خرداد است دوباره که آن هم خون‌بار، شکست خورد. کشتار ۱۷ شهریور و ۱۳ آبان، طلایع نوین رفتاری و حشیانه است که در تداوم خشونت سیستمی در سرکوب ۱۵ خرداد طراحی شده بود.»

گزاره‌های بالا پیشینه‌های تحلیلی تئورسین‌های کاربردی نظام سلطه که پیش از این هم بارها با خروش‌های مردمی - مذهبی روبه‌رو شده بودند را تشکیل می‌داد و دو نتیجه در پی داشت، اولاً: حرکت توفنده مردمی - مذهبی در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ به پیروزی منتهی نمی‌شود که ۱۵ خرداد پشوانه‌ای قوی برای این تحلیل بود (اگر چه ادامه نهضت پس از قتل عام‌هایی مانند ۱۷ شهریور و ۱۳ آبان، پایه‌های این تحلیل را سست می‌نمود)؛ ثانیاً: اگر مردم ایران پیروز شوند، پیروزی شان نتیجه‌ای گذرا و کوتاه‌مدت دارد زیرا رهبران روحانی نهضت، باز هم الف: یا مانند تحریم تنباکو طرحی برای پس از پیروزی ندارند (مذاکرات و مکاتبات فی مابین آیت الله العظمی محمد حسن شیرازی - میرزای شیرازی و حجت الاسلام سید جمال الدین اسد آبادی)، ب: و یا مانند مشروطه و ۳۰ تیر، طرحی بنیادی و کارآمد و ماندگار برای پس از پیروزی ندارند در پی اختلاف زایی نظام سلطه در میان کادر رهبری نهضت مانند اختلاف میان آخوند خراسانی (آخوند صاحب کفایه) و آقاسید محمد کاظم طباطبایی یزدی و هم‌چنین مرحوم آیت الله کاشانی و دکتر محمد مصدق، ۱ - یا با روش نرم‌افزاری نفوذ مانند مشروطه، ۲ - و یا با روش سخت‌افزاری کودتا مانند ۲۸ مرداد، اوضاع مجدداً تحت کنترل نظام سلطه در خواهد آمد.

اگرچه طرفداران آیت الله خمینی چشم به پردازش تئوری ولایت فقیه در درس خارج فقه او در نجف دارند ولی آن نیز برد حداکثری خود را در نهضت تحریم تنباکو

نشان داد و تنها در برشهایی از زمان، کارآمدی دارد.

۲. چالش‌زدایی امامت - تبیین پیش از تشکیل

امام امت که در تجربیات سیاسی - حوزوی خود

۱- تماشاگر احتیاط سیاسی شاگرد ارزشمند آخوند خراسانی، آیت الله العظمی بروجردی بود - که بازتاب احتیاط‌گریزی استاد، در صدور فتوا و رهنمود بود و منجر به اعدام آیت الله شیخ فضل الله نوری گردید - این احتیاط نیز منتهی به اعدام حجت الاسلام سید مجتبی نواب صفوی گردید.

۲- در جلسات طولانی و ساعت‌های متمادی با آیت الله کاشانی - که خریط فن سیاست و فقیه مکتب اهل بیت علیهم السلام بود - به بررسی اوضاع سیاسی ایران معاصر پرداخته بود (معمولاً این جلسات دو نفره، در شب‌های جمعه در پشت بام منزل آیت الله کاشانی برگزار می‌شد و تا زمان انجام نماز شب به طول می‌انجامید).

لذا هم‌زمان با اطمینان به قریب الوقوع و نزدیک بودن پیروزی، تئوری ولایت فقیه و کلیات نظام اسلامی در عصر غیبت را که در سال‌های پیش از ۱۳۵۰ در نجف اشرف تدریس نموده بودند و با عنوان نامه‌ای از امام موسوی کاشف الغطا در سال ۱۳۵۶ در ایران منتشر شده بود، با عنوان‌هایی مانند (حکومت اسلامی) و (رژیم اسلامی) و (جمهوری اسلامی) در اعلامیه‌ها و مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های متعدد به صورت مصداقی و شفاف تبیین نمودند، به گونه‌ای که اولاً: ملت مسلمان و انقلابی ایران با آگاهی کامل، قدم در مسیر استمرار انقلاب به سوی پیروزی بردارند، ثانیاً: مجالی برای این که تحریف‌کنندگان واقعیت‌ها و دورغ‌پردازان تاریخ‌نگارنما در آینده بگویند: ملت ایران می‌دانستند چه نمی‌خواهند ولی نمی‌دانستند چه می‌خواهند، باقی نماند.

«قبل از این که ما به این مرتبه از نهضت برسیم، همه می‌دانستیم که باید چه بکنیم. و لہذا همه ملت با هم همصدا شدند؛ و مقصدشان هم این بود که ما سلسله پهلوی را و رژیم شاهنشاهی را نمی‌خواهیم؛ و ما یک حکومت اسلامی، جمهوری اسلامی، می‌خواهیم.» (صحیفه امام، ج ۷، ص: ۵۱۵)

فرازهایی از روشنگری‌های امام امت که نقش عمده‌ای در چالش‌زدایی از گام‌های آغازین انقلاب اسلامی داشت، عبارتند از:

استفاده از عناوین حکومت و رژیم و جمهوری با اشتراک در پسوند اسلامی

«تمام ملت از سرتاسر کشور فریاد می‌زنند که ما حکومت اسلامی می‌خواهیم. و اما رژیم اسلامی و جمهوری اسلامی، یک رژیمی است متکی بر آرای عمومی و فراندم عمومی و قانون اساسی‌اش قانون اسلام و باید منطبق بر قانون اسلام باشد و قانون اسلام مترقی‌ترین قوانین است.» (صحیفه امام، ج ۳، ص: ۵۱۵)

فرایند تغییر از سلطنت

«باید این رژیم برچیده بشود و پس از آن، با یک فراندم عمومی، شخصی روی کار بیاید برای حکومت موقت؛ و به آرای عمومی رجوع بشود برای تشکیل یک مجلس؛ و تمام احکامی که از مجلس بگذرد و تمام مسائلی که در مجلس بگذرد، آن مسائل مطابق با اتکای به ملت است. و تغییر، یک تغییر طبیعی است از یک حکومت و سلطنت غیر قانونی به یک حکومت و رژیم قانونی.» (صحیفه امام، ج ۳، ص: ۵۱۴)

سیاست خارجی در جمهوری اسلامی

«روابط ما با جامعه غرب؛ یک روابط عادلانه است که نه زیر فشار ظلم آن‌ها خواهیم رفت و نه ظلمی بر آن‌ها روا خواهیم داشت. ما با آن‌ها به طور احترام متقابل رفتار خواهیم کرد، و با آن‌ها اگر آن‌ها هم احترام متقابل را حفظ کنند و نخواهند بر ما تحمیل کنند و تجدید نظر در این کارهایی که تا کنون بر ما - بلکه با شرق - کرده‌اند بکنند، ما با آن‌ها به طور خوب و روابط حسنه رفتار می‌کنیم و معاملات با آن‌ها هم خواهیم کرد؛ به هر نحوی که صلاح خودمان باشد، نه هر نحوی که تحمیل باشد یا فقط صلاح آن‌ها در نظر گرفته شده باشد، ما روابط حسنه با آن‌ها داریم.» (صحیفه امام، ج ۳، ص: ۵۱۶)

اصرار بر محتوا نه شکل حقوقی رژیم

در واقع، عمل شما دارای چه جهتی است و چه رژیمی را می‌خواهید جانشین رژیم شاه کنید؟

«شکل حقوقی رژیم نیست که اهمیت دارد، بلکه محتوای آن مهم است. طبیعتاً

می‌توان یک جمهوری اسلامی را در نظر گرفت ولی این موضوع بدین خاطر است که فکر می‌کنیم برداشت اصیل اسلام، ما را به ترقی جامعه‌ای که سرشار از استعدادها و قوای انسانی و عدالت اجتماعی است، راهنمایی می‌کند. قبل از هر چیز ما به محتوای اجتماعی رژیم سیاسی آینده دل بسته‌ایم.» (صحیفه امام، ج ۴، ص: ۴)

سبک زندگی در جمهوری اسلامی

«زنان در انتخاب فعالیت و سرنوشت و همچنین پوشش خود با رعایت موازین آزادند و تجربه کنونی فعالیت‌های ضد رژیم شاه نشان داده است که زنان بیش از پیش آزادی خود را در پوششی که اسلام می‌گوید، یافته‌اند. ما با سینماهایی که برنامه‌های آن‌ها فاسدکننده اخلاق جوانان و مخرب فرهنگ اسلامی باشد، مخالفیم، اما با برنامه‌هایی که تربیت‌کننده و به نفع رشد سالم اخلاقی و علمی جامعه باشد، موافق هستیم. مشروبات الکلی و الکل‌سیسم و سایر مخدرات که مضر به حال جامعه می‌باشند، جلوگیری خواهد شد.» (صحیفه امام، ج ۴، ص: ۲۴۸)

شنیده‌ایم که تشیع سبک زندگی غربی را برای این‌که با سنت‌های مذهبی توافق ندارد، رد می‌کند. آیا ممکن است شما نظر خود را درباره این مسأله بر اساس مذهب تشیع بیان کنید؟

«تشیع که مکتبی است انقلابی و ادامه اسلام راستین پیامبر (ص) است، همچون خود شیعیان، همیشه مورد حملات ناجوانمردانه مستبدین و استعمارگران بوده است. تشیع نه تنها زنان را از صحنه زندگی اجتماعی طرد نمی‌کند، بلکه آنان را در جامعه در جایگاه رفیع انسانی خود قرار می‌دهد. ما پیشرفتهای دنیای غرب را می‌پذیریم، ولی فساد غرب را که خود آنان از آن ناله می‌کنند، نه.» (صحیفه امام، ج ۴، ص: ۵۰۸)

تغایر با اسلام‌نماها

«حکومت جمهوری اسلامی مورد نظر ما، با هیچ یک از رژیم‌های مزبور (عربستان سعودی و لیبی) منطبق نخواهد بود.» (صحیفه امام، ج ۴، ص: ۲۴۸)

ساختار سیاسی

حضرت آیت الله خواهان سرنگونی رژیم سلطنتی موجود و جانشین شدن یک

جمهوری هستید. چه نوع جمهوری در نظر دارید؟ مثل سیستم آمریکایی یا فرانسوی؟
«ما خواهان استقرار یک جمهوری اسلامی هستیم و آن حکومتی است متکی به
آرای عمومی. شکل نهایی حکومت با توجه به شرایط و مقتضیات کنونی جامعه ما،
توسط خود مردم تعیین خواهد شد.» (صحیفه امام، ج ۴، ص: ۲۴۹)

۳. چالش‌زایی نظام سلطه - تخریب پیش از تشکیل

نظام سلطه اگرچه بر این باور بود که تغییرات پیش رو، تغییراتی ظاهری و رفرمی
خواهد بود و ناماندار است، ولی جهت کلید زدن پروژه صهیونیستی اسلام ستیزی -
شیعه‌ستیزی با پمپاژ شبهه و مسموم‌نمودن فضا به‌ویژه فضای رسانه‌ای، نسبت به
تخریب دورنمایی که بر زبان مردم با نام‌های حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی
جاری شده بود، اقدام نمود که برخی از آن‌ها را در قالب پرسش‌هایی که از حضرت امام
در مصاحبه‌ها به عمل می‌آمد، می‌توان یافت و آنچه در این بخش از این نوشتار ارائه
می‌شود، تنها اندکی از سم‌پراکنی‌هایی است که در مصاحبه‌ها ذکر شده است.

ممکن است توضیح بفرمایید که مقصود از حکومت اسلامی جمهوری اسلامی

چیست؟

نحوه رابطه با جامعه غرب و با جامعه کمونیست چطور خواهد بود؟

آیا این جنبش مذهبی است که می‌خواهد به سنت‌های اسلامی بازگردد؟

مارکسیست‌ها از عنوان مذهب برای مبارزه علیه رژیم شاه استفاده می‌کنند، آیا
مذهبی‌ها کم‌کم به وسیله احزاب چپ افراطی عقب زده می‌شوند و این احزاب،
سازماندهی اعتصابات و تظاهرات را در دست می‌گیرند و آن را در جهتی که می‌خواهند
هدایت می‌کنند؟

رژیمی که شما می‌خواهید، آیا دموکراتیک است؟ مثلاً آیا شما موافق آزادی

مطبوعات و سیستم چند حزبی و آزادی احزاب و سندیکاها هستید؟

آیا در جمهوری اسلامی برای اقلیت‌های مذهبی در ایران که بسیار زیادند، جایی

هست؟

در غرب فکر می‌کنند که رفتن شاه یک خلأ خطرناک به‌وجود می‌آورد.

شما قدرتهای بزرگ را محکوم می‌کنید. این امر، این احساس را برانگیخته است
که شما سرسخت و آشتی ناپذیرید. آیا نمی‌توانید در این محکومیت، محض اطمینان به
افکار عمومی غرب که با قیام مردم کشور شما همدردی می‌کنند، تخفیف قائل بشوید؟

از قرار، ترجیح شما یک جمهوری اسلامی است. از قول شما گفته‌اند که کار رژیم سلطنتی به استبداد می‌کشد، با وجود این، هستند رژیمهای جمهوری اسلامی که از بعضی از رژیمهای سلطنتی، استبدادی‌ترند. در این باره چه نظر دارید؟

آیا شما به طور دائم از همکاری مشاوران لایق که شما را در اتخاذ یک سیاست واقع‌بینانه در زمینه مسائل اقتصادی و سیاسی کمک کنند، برخوردارید؟

حضرت آیت الله به مدت طولانی از سیاستهای شاه انتقاد کرده‌اند، در چه حدودی سیاستهای خود ایشان نسبت به موارد زیر، با سیاستهای شاه فرق خواهد کرد؟

الف) اجتماعی: آیا قوانین اسلامی به مورد اجرا گذارده می‌شود؟ و چه فرقی در زندگی روزمره نسبت به قوانین حاضر پیش خواهد آمد؟

در تحت لوای حکومت اسلامی، آیا حضرت آیت الله می‌توانند به طور دقیق تر این مفهوم را شرح دهند که آیا زنها قادر خواهند بود به طور آزادانه بین حجاب و لباس غربی حق انتخاب داشته باشند؟

آیا سینماها می‌توانند به وجود خود ادامه دهند؟ اگر آری، چگونه فیلمها انتخاب خواهند شد؟

آیا مشروبات الکلی ممنوع خواهد شد؟

در آخر آیا ایران، یک عربستان سعودی یا لیبی دیگر خواهد شد؟

ب) دفاع و خارجه و نفت: حضرت آیت الله به طور دائم، نقش خارجیها را مورد انتقاد قرار داده‌اند، به طور اخص آمریکا را. در ایران به طور دقیق چگونه تغییراتی شما مایلید در رابطه با نفوذ خارجی در صادرات نفت و واردات و خرید اسلحه ببینید؟

ج) امنیت داخلی: ساواک در اصل برای تضمین امنیت داخلی علیه تحریکات داخلی به وجود آمد، آیا آیت الله ساواک را منحل خواهند کرد؟ و اگر چنین است، چه نیروهایی را در نظر دارید که جانشین نیروهای امنیتی بنمایند؟

فرموده‌اید که خواهان قدرت شخصی نیستید، فرض کنیم که حضرت آیت الله یک روز که شاه رفته باشد به ایران مراجعت بفرمایید، در آن صورت، خلأ قدرت سیاسی را چگونه پر خواهید فرمود؟

پس از رفتن شاه، در موقع برگشتن به ایران، آیا خود شما رهبر جمهوری اسلامی نخواهید بود؟

دولت پیشنهادی شما چگونه خواهد بود و چه کسی آن را اداره خواهد کرد؟

شما تصریح فرموده‌اید که راغب ایجاد حکومت اسلامی هستید، همانند حکومتی

که در ایام علی - رضی الله عنه - وجود داشت، آیا معنی آن این است که به هنگام سقوط خاندان پهلوی، حکومت خلافت اسلامی را برپا خواهید داشت؟

شاه شما را متهم می‌کند که در مقابل گامهای اصلاحی وی ایستاده‌اید. نخست از انقلاب سفید تا برسد به آنچه او اعطای آزادی (لیبرالیسم) نامیده است. ردّ شما بر این اتهامات چیست؟ برنامه سیاسی و اصلاحی‌ای که شما بدان فرا می‌خوانید و یا وقتی به حکومت رسیدید، به اجرا در خواهید آورد، چیست؟

در مورد آزادی بیان و عقیده، شما چه حدودی را در نظر دارید؟ نقش زنان در حکومت اسلامی چگونه خواهد بود؟ آیا مثلاً در امور کشور هم شرکت خواهند داشت؟ برای مثال وکیل و وزیر خواهند شد - البته اگر استعداد و لیاقتی نشان دهند.

آیا در جهان اسلام، کشورهایی که بخواهند به پیروی از ایران، جمهوری اسلامی تشکیل دهند، الزاماً باید مذهب شیعه را بپذیرند؟

آیا هدف شما در دست گرفتن قدرت است، وقتی شاه برود؟ در صورتی که شما امکان در دست گرفتن قدرت را داشته باشید، چه کار خواهید کرد؟ منظور، برنامه آینده شما برای حکومت در ایران است.

به ما می‌گویند که ما از زیر «چکمه استبداد» به زیر «نعلین استبداد» می‌رویم؟! رابطه یک دولت اسلامی و دولت آمریکا در آینده چگونه خواهد بود؟ شما در بیاناتتان فرمودید که اسرائیل دشمن اسلام است؛ آیا حکومت اسلامی ممکن است به این کشور اعلان جنگ بدهد؟

۴. تفاوت حکومت اسلامی با جمهوری اسلامی

مفهوم کلی حکومت اسلامی، مصادیق متعددی - به تناسب اقتضاء زمان و مکان - می‌تواند داشته باشد که جمهوری اسلامی، مصداق پیشنهاد شده توسط امام امت و برگزیده توسط امت امام بود و رابطه آن دو، عام و خاص مطلق است. لذا نه در شعارهای امت امام و نه در بیانات امام امت، حساسیتی نسبت به جایگزینی این دو عنوان وجود نداشت. همچنانکه امروزه رهبری انقلاب اسلامی و مردم مسلمان انقلابی، از هر دو واژه استفاده می‌نمایند.

«تمام ملت از سرتاسر کشور فریاد می‌زنند که ما حکومت اسلامی می‌خواهیم. و اما رژیم اسلامی و جمهوری اسلامی، یک رژیمی است متکی بر آرای عمومی و

رفراندم عمومی.» (صحیفه امام، ج ۳، ص: ۵۱۵)

«ملت ایران - که ما هم دنبال ملت ایران هستیم - آن‌ها سه تا اصل را تقاضا دارند و در تظاهراتی که سرتاسر ایران کردند و حالا هم می‌کنند، این سه تا اصل را ذکر می‌کنند و مقصودشان تحقق این سه تا اصل است. البته آن که مقصود اصلی و هدف اصلی است، آن اصل سوم است که حکومت اسلامی، جمهوری اسلامی. آن که هدف نهایی و اصلی است آن است... آن‌ها که می‌گویند ما حکومت اسلامی می‌خواهیم یا جمهوری اسلامی می‌خواهیم، تحقق جمهوری اسلامی نفی رژیم سلطنتی است... البته هدف نهایی عبارت از همان تأسیس یک حکومت عدل اسلامی است.» (صحیفه امام، ج ۴، ص: ۵۱۳)

«همه با هم به پیش برای برقرار کردن حکومت اسلامی، جمهوری اسلامی.» (صحیفه امام، ج ۶، ص: ۴۲۹)

«همه با هم - همه با هم - باید این نیروی بزرگ اسلامی - انسانی را به پیش ببریم. حکومت اسلامی، جمهوری اسلامی، عدل اسلامی را مستقر کنید.» (صحیفه امام، ج ۷، ص: ۱۱۶)

«قبل از این که ما به این مرتبه از نهضت برسیم، همه می‌دانستیم که باید چه بکنیم. و لهذا همه ملت با هم همصدا شدند؛ و مقصدشان هم این بود که ما سلسله پهلوی را و رژیم شاهنشاهی را نمی‌خواهیم؛ و ما یک حکومت اسلامی، جمهوری اسلامی، می‌خواهیم.» (صحیفه امام، ج ۷، ص: ۵۱۵)

«ملت ما با هم، همه اسلام را خواستند. همه ملت فریاد کردند با «الله اکبر» که ما اسلام را می‌خواهیم، ما حکومت اسلامی، جمهوری اسلامی می‌خواهیم. مقصد ملت، اسلام است.» (صحیفه امام، ج ۷، ص: ۵۴۴)

«افراد این ملت، که این‌ها رأی دادند به این که، حکومت اسلامی، جمهوری اسلامی.» (صحیفه امام، ج ۸، ص: ۳۸۸)

«اگر دولت اسلامی، جمهوری اسلامی، حکومت اسلامی بخواهد زمینه اختناق را به وجود بیاورد، قطعاً شکست خواهد خورد.» (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۴، ص: ۱۷۵)

«رهبر با اعلام شعار «جمهوری اسلامی» و «به پیش به سوی حکومت اسلام»، به

انقلاب روح داد.» (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۴، ص: ۳۲۲)

«چندین بار از امام عزیزمان (أعلى الله كلمته) پرسیده بودم که شما از چه زمانی به فکر ایجاد حکومت اسلامی افتادید و آیا قبل از آن، چنین تصمیمی داشتید؟ (این

پرسش به‌خاطر آن بود که در سال ۱۳۴۷، درسه‌های «ولایت فقیه» ایشان در نجف شروع شده بود و ۴۸ نوار از آن درسها نیز به ایران آمده بود. ایشان گفتند: درست یادم نیست که از چه تاریخی مسأله حکومت برایمان مطرح شد؛ اما از اول به فکر بودیم ببینیم چه چیزی تکلیف ماست، به همان عمل کنیم؛ و آنچه که پیش آمد، به خواست خداوند متعال بود.

امام عزیز^(ه)، با ایمان و جهاد و اخلاص و عمل صالح خود، سنگ بنای حکومت اسلامی را در ایران گذاشت و خدای متعال هم نصرت خود را بر او نازل کرد.» (بیانات مقام معظم رهبری، سال ۱۳۶۸، ص: ۱۶۸)

۵. فرآیند تقدم در جمهوریت و اسلامیت

شاید ائمه محترم جماعت بهتر از دیگران می‌دانند که نماز جماعت اگرچه لفظاً از پیوستن دو کلمه نماز و جماعت تشکیل شده است ولی خود پدیده‌ای است متمایز از نماز بدون جماعت و جماعت بدون نماز و پرسش از تقدم نمازیت! بر جماعتیت! یا تقدم جماعتیت! بر نمازیت! کنکاشی بی‌محتوا مانند پژوهش درباره تقدم آفرینش مرغ و تخم مرغ است و احکام نماز جماعت با احکام نماز بدون جماعت، تفاوت‌های عمده دارد لذا در میان وفاداران هوشمند انقلاب اسلامی ایران هرگز چنین بحثی طرح نشده است مگر برای جدال احسن یا تبیین حقیقت برای افرادی که در مسیر این شبهه قرار گرفته‌اند و خلاصه سخن در این باب این است که: «رژیم ما جمهوری اسلامی باشد، یعنی رژیمی باشد که شکل رژیم، جمهوری است و محتوای آن اسلامی.» (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۴، ص: ۳۰۱)

«امروز هر بچه دبستانی این قدر می‌داند که جمهوری اسلامی یعنی جامعه‌ای اسلامی با رژیم جمهوری.» (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۴، ص: ۳۲۰)

«جمهوری اسلامی» از دو کلمه مرکب شده: کلمه «جمهوری» و کلمه «اسلامی». کلمه جمهوری شکل حکومت پیشنهادشده را مشخص می‌کند... و اما کلمه «اسلامی» محتوای این حکومت را بیان می‌کند... بنابراین «جمهوری اسلامی» یعنی حکومتی که شکل آن انتخاب حاکم است از طرف عامه مردم... و محتوای آن اسلامی است یعنی بر اساس معیارها و موازین اسلامی است.» (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۴، ص: ۳۳۰)

«این نهضت از آن روز اوج گرفت و شورانگیز شد که جمهوری اسلامی اعلام

شد. جمهوری اسلامی یعنی یک نفی و یک اثبات؛ اما نفی، نفی رژیم حاکم ۲۵۰۰ ساله، چون جنبه دائمی و زوری و تحمیلی سلطنت را که بزینیم می‌شود جمهوری. اما اثبات، یعنی محتوای اسلامی و توحیدی.» (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۴، ص: ۳۲۱)

«بنده به هیچ وجه موافق نیستم که یک عده بگویند اگر فلان طور نباشد، اسلام از بین خواهد رفت؛ یک عده هم بگویند اگر فلان طور نباشد، جمهوریت از بین خواهد رفت؛ نه آقا، این حرفها نیست. در این کشور و در این نظام، اسلام با جمهوریت همراه است. جمهوریت ما از اسلام گرفته شده و اسلام ما اجازه نمی‌دهد در این کشور مردم‌سالاری نباشد. ما نخواستیم جمهوریت را از کسی یاد بگیریم؛ اسلام این را به ما تعلیم داد و املاء کرد. این ملت، متمسک به اسلام و معتقد به جمهوریت است. در ذهن این ملت و در این نظام، خدا و مردم در طول هم قرار دارند و خدای متعال این توفیق را داده است که مردم این راه را طی کنند. عده‌ای بیایند بگویند اگر ما نباشیم یا اگر فلان طور نباشد، اسلام نابود می‌شود؛ یک عده هم بیایند بگویند اگر ما نباشیم یا اگر فلان طور باشد، جمهوریت و مردم‌سالاری از بین می‌رود؛ نه، این طور نیست. این ملت، این نظام، این چارچوب و این قانون اساسی توانسته است هم اسلام را تضمین کند و هم جمهوریت را.» (حدیث ولایت - بیانات، سال ۱۳۸۲، ص: ۲۴۶)

«از طرف کسانی سعی شده که بین جمهوریت نظام و اسلامیت، رقابتی به وجود بیاورند. یک جا بعضی‌ها بگویند روی اسلامیت تکیه شد، جمهوریت تضعیف شد؛ یک عده هم بگویند روی جمهوریت تکیه شد، اسلامیت تضعیف شد. این طوری نیست. در کشور ما جمهوریت از اسلامیت جدا نیست.» (حدیث ولایت - بیانات، سال ۱۳۸۴، ص: ۱۳۳)

«آنچه که جمهوری اسلامی را به عنوان یک پدیده بدیع، ممتاز می‌کند، همین است که: حضور مردم و انتساب به معنویات و به حکم الهی و خشوع در مقابل پروردگار. این دو یک حقیقت واحدی را تشکیل داده‌اند. این بحث که در نظام اسلامی، جمهوریت مقدم است یا اسلامیت مقدم است، یک بحث بی‌معنی و انحرافی است. اسلامیت و جمهوریت دو عنصر جدا نیستند که به یکدیگر وصل شده باشند و یک حقیقت را به وجود آورده باشند؛ در دل اسلامیت، جمهوریت هست. در دل اتکاء به حکم الهی، تکیه به مردم و احترام به خواست و رأی مردم هست.

جمهوری اسلامی یک حقیقت واحد است که هدیه انقلاب اسلامی به ملت ایران است.» (حدیث ولایت - بیانات، ص: ۱۱۱)

۶. جمهوری اسلامی، یک کلمه زیاد - یک کلمه کم

جمهوری اسلامی اگر یک کلمه‌اش کم شود، آن کلمه، پسوند اسلامی خواهد بود و باقیمانده این تفریق، جمهوری مطلق و لایشرط است و آن، مفهوم بی‌رمقی می‌شود که با هر آیین و شبه آیینی قابل جمع است و اگر کلمه‌ای به آن افزوده گردد، واژگانی دربردارنده آزادی و مردمی است که اگر وصف توضیحی باشند که لغو است و اگر تخصیصی باشد (بدین معنی که در جمهوری اسلامی، آزادی نیست یا مردمی بودن تعریف نشده است) وهن به شریعت است.

شما دیدید که در نامگذاری «جمهوری اسلامی»، عده‌ای از به‌اصطلاح روشنفکران ما بدون آن که کوچکترین سوء نیتی داشته باشند، اصرار داشتند که بگوییم «جمهوری دموکراتیک اسلامی» ولی حضرت امام^(ع) زیر بار این کلمه نرفت، چرا؟ آیا با دموکراسی مخالف بود؟ نه. چند دلیل داشت:

یک این که دموکراسی در مفهوم غربی با دموکراسی در مفهوم اسلامی، تفاوت دارد. دموکراسی در مفهوم غربی، در حدود آزادیها و رهاییهای حیوانی خلاصه می‌شود. ما می‌خواهیم دموکراسی را بر اساس آزادیهای انسانی بنا نهیم نه بر اساس رهایی حیوانیت؛ و امکان ندارد انسانیت انسان آزاد باشد در حالی که حیوانیت او رهاست. یعنی (در رابطه) انسانیت و حیوانیت، یا باید حیوانیت تابع و مطیع انسانیت باشد و یا انسانیت انسان مقهور و ذلیل و برده حیوانیتش باشد.

دوم: به‌کاربردن این نام، تقلید از غرب و به‌معنای الگوگرفتن از غرب است.

آیا در کلمه «اسلامی» و در متن اسلام، حریت و آزادی هست یا نه؟

آیا در متن اسلام، حاکمیت ملی، حکومت مردم بر مردم هست یا نه؟

آیا در متن اسلام، مردم حق دارند با انتخاب و با آراء خود نماینده خویش را

انتخاب کنند یا نه؟

آیا مردم حق دارند که رئیس جمهوری خودشان را انتخاب کنند یا نه؟

بله، مردم حق دارند و از اصول درست دموکراسی، بیش از این‌ها ما چیزی نمی‌خواهیم. وقتی می‌گوییم جمهوری اسلامی، کلمه «اسلامی» در محتوای خودش همه این‌ها را دارد، اما همین قدر که بگوییم «جمهوری دموکراتیک اسلامی» معنایش این است که ما چشم به دنیای غرب داریم. (رهبر ما می‌گوید) من نمی‌خواهم که ملت من چشم به دنیای غرب داشته باشد و الگو از غرب بگیرد. (مجموعه آثار شهید مطهری،

«در مفهوم «اسلامی» و در خود اسلام، آزادی فردی و حقوق فردی و دموکراسی که یک اصل اجتماعی مبتنی بر آزادی فرد و حقوق فرد است، وجود دارد. در اسلام، آزادی فرد و حقوق فرد هست با تفاوتی که میان بینش اسلامی و بینش غربی هست و قهراً در اسلام دموکراسی مبتنی بر آن نوع آزادی فرد و حقوق فردی هم وجود دارد. بنابراین در «جمهوری دموکراتیک اسلامی» اضافه کلمه «دموکراتیک» یک حشو زائد است.

بعلاوه ممکن است در آینده وقتی که مردم در دولت جمهوری اسلامی، آزادیها و دموکراسیهایی را ببینند، بعضی پیش خودشان این طور تفسیر کنند که آزادیها و دموکراسیهایی که وجود دارد نه به دلیل اسلامی بودن این جمهوری است بلکه به دلیل دموکراتیک بودن آن است یعنی این جمهوری، بنیادهای دموکراتیک دارد و بنیادهای اسلامی، دو مینا دارد، آنچه که به آزادی و حقوق فردی و دموکراسی مربوط است، به بنیاد دموکراتیک این جمهوری بسته است و یک سلسله مسائل دیگر مثل قواعد عبادات و معاملات به جنبه اسلامی این حکومت بسته است. ما می‌خواهیم بگوییم این طور نیست، «چون که صد آمد نود هم پیش ماست».

«جمهوری اسلامی» که گفتیم، آزادی و حقوق فرد و دموکراسی هم در بطن آن هست.» (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۴، ص: ۳۴۵)

«دیگر مردم اعتنا به آن‌ها نمی‌کنند. همان برنامه است، همان بساط است؛ تغییر اسم می‌دهند. یک (روز) اسمش شاهنشاهی می‌شود، یک روز ملیت و جمهوری دموکراتیک و این حرفها. این‌ها با اسلام بد هستند، با جمهوری‌اش خوبند! آن تکه دوشم که جمهوری اسلامی است با این بد هستند. آن‌ها دشمن اسلامند. اگر نیستند، چرا وقتی برنامه‌تان را می‌دهید، می‌گویید جمهوری دموکراتیک؟ اسلام چه گناهی کرده؟ اسلام به شما چه کرده؟ شما خوب نیستید با اسلام برای این که اسلام است که جلوی منافع شخصی را می‌گیرد،... اسلام تعدیل می‌کند. اسلام است که نمی‌گذارد اجانب بر مسلمین حکومت بکنند.» (صحیفه امام، ج ۵، ص: ۵۴۷)

«به خواست خداوند متعال به‌زودی درباره شکل حکومت، رفتارند خواهد شد. لازم است تذکر دهم آنچه این جانب به آن رأی می‌دهم، «جمهوری اسلامی» است و آنچه ملت شریف ایران در سرتاسر کشور با فریاد از آن پشتیبانی نموده است، همین «جمهوری اسلامی» بوده است، نه یک کلمه زیاد و نه یک کلمه کم. من از ملت شریف انتظار دارم که به «جمهوری اسلامی» رأی دهند که تنها این، مسیر انقلاب

اسلامی است.» (صحیفه امام، ج ۶، ص: ۲۶۶)

«اگر ما این کلمه «جمهوری اسلامی» را برداشته بودیم و می گفتیم «جمهوری»، نمی توانستیم مردم را در میدان بیاوریم. مردم برای «جمهوری»، هیچ وقت جانشان را نمی دهند، مردم برای شکم، جانشان را نمی دهند، مردم برای آزادی نمی خواهند خودشان بمیرند که من آزاد بشوم. این ها حرف است. آنی که می تواند مردم را بسیج کند، آن اعتقاد به این است که غیر از این عالم، یک جای دیگر هست بهتر از اینجا.» (صحیفه امام، ج ۱۱، ص: ۱۸۳)

مصاحبه کننده: اوربانا فالاجی: حضرت امام! شما چرا از اول روی یک کلمه ای خط کشیدید و آن دمکراتیک است که رویش خط کشیدید و فرمودید «جمهوری اسلامی» نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر. این کلمه که این قدر عزیز است، برای ما عزیز است و شما خطش زدید...

«بله این مسائلی دارد. یک مسأله این است که این توهّم، این را در ذهن می آورد که اسلام محتوایش خالی است از این، لذا احتیاج به این است که یک قیدی پهلویش بیاورند و این برای ما بسیار حزن انگیز است که در محتوای یک چیزی که همه چیزها به طریق بالاترش و مهمترش در آن هست، حالا ما بیاییم بگوییم که ما اسلام می خواهیم و اما با اسلام مان دمکراسی باشد، اسلام همه چیز است.

مثل این است که شما بگویید که ما اسلام را می خواهیم و می خواهیم که به خدا هم اعتقاد داشته باشیم، ولی به شرط این که به خدا هم معتقد باشیم.

این برای ما خیلی ناراحت کننده است که کسی یک همچو خیالی داشته باشد. این اولاً، و ثانیاً این کلمه دمکراسی که پیش شما این قدر عزیز است، یک مفهوم مُبَیّنی ندارد. ارسطو یک جور معنی کرده. شوروی یک جور معنی کرده. سرمایه دارها یک جور معنی کرده و ما در قانون اساسی مان نمی توانیم یک لفظ مبهمی که هر کس برای خودش یک معنی کرده است، آن را بگذاریم. به جای آن اسلام را گذاشتیم که اسلام مُبَیّن می کند حد وسط چیست.

این مخالف با هیچ چیزی نیست، ولی آنهایی که نفهمیده اند اسلام را، خارجیها که با اسلام کار ندارند، آن ها که در داخل هستند و اسلام را نمی دانند چه رژیمی است، چه حالی دارد، از این جهت یک امکان به خیالشان دارد.

من حالا برای شما مثال می زنم از این آزادی و دمکراسی. یک چیزی که تاریخ می گوید و آن قضیه حضرت امیر - سلام الله علیه - است که در وقتی که رئیس و خلیفه

رسول الله بود و دامنه این ریاست عملی‌اش و سیاستش از حجاز تا مصر و تمام تقریباً بسیاری از آسیا، یک مقداری حتی اروپا داشت. همین شخص که رئیس یک همچو مملکت وسیعی بود و دارای همچو قدرتی بود و قاضی را هم خود خلیفه رسول الله تعیین می‌کرد، وقتی یک اختلافی بین آن رئیس و یک یهودی حاصل شد، قاضی دعوت کرد او را به این که بیاید جواب بدهد. او هم رفت در محضر قاضی نشست. قاضی خواست به او احترام بکند. گفت نه، یک نفر قاضی، باید احترام از هیچ کس نکند و ما علی السوا باید باشیم. و بعد هم که قاضی حکم بر خلاف او کرد، او تصدیق و قبول کرد. من میل دارم که شما که اطلاع دارید از همه حکومتها و از همه جاها، یک نمونه این طوری هم شما نشان بدهید. در تمام این حکومتهایی که در دنیا- از اول دنیا تا حالا حکومتها بودند و شما لابد مطلع هستید. شما هم یک نمونه این طوری به ما نشان بدهید، که آن از این اولی است.» (صحیفه امام، ج ۱۰، ص: ۹۶)

۷. جای خالی ۱۲ فروردین در نهضت مشروطه

بررسی حرکت‌های مذهبی - مردمی در ۲۰۰ سال اخیر بیانگر این مهم است که: نقش عالمان شیعه در نهضت‌ها، نقش استارت اولیه و حداکثر، رساندن جامعه به اولین توقفگاه بوده است و بعد از آن هیچ.

این نوشتار در صدد بررسی علل و عوامل تاریخی - تحلیلی این موضوع نیست ولی با بررسی نهضت تحریم تنباکو می‌توان دریافت که بعد از لغو قرارداد انحصار تنباکو، کار تمام‌شده تلقی شد و مردم کنار رفتند و...؟

و هم‌چنین در نهضت مشروطه، پس از تحمیل عدالتخانه به حکومت استبداد، عالمان شیعه که طرحی برای ادامه نهضت نداشتند، به کناری زده شدند و مشروطه، غیرمشروطه شد و شیخ شهید، آیت الله شیخ فضل الله نوری به دار آویخته شد و شد آنچه شد و...؟

اما فقیه هوشمندی که تجربه‌ای بیش از انتظار دشمن را در پیش چشم داشت، با طرح جمهوری اسلامی با محوریت ولایت فقیه، تمام نقشه‌ها را نقش بر آب ساخت و پیش‌بینی‌ها برای فروپاشی چند ماهه جمهوری اسلامی، ناکام ماند و توطئه‌ها آغاز شد و... ناکامی فتنه ۸۸، دیرباوران را نیز به این باور رساند که: **عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ (الامام الكاظم) عليه السلام: قَالَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قُمَّ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ**

فَوْمٌ كَزَبِ الْحَدِيدِ لَا تَرْتُلُهُمُ الرِّيحُ الْعَوَاصِفُ وَ لَا يَمْلُونَ مِنَ الْحَرْبِ وَ لَا يَجْبُونُونَ وَ عَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ . (بحار الأنوار، ج ۵۷، ص: ۲۱۶)

«پیش از این، در کشور خود ما، انقلاب مشروطیت بود، اما بعد از پیروزی، هنگامی که علما را کنار زدند، از مسیر منحرف شد و مشروطیت به جایی رسید که رضا خان قلدر، فردی که ضد همه آرمان‌های مشروطه‌خواهی بود، به حکومت رسید.

اگر انقلاب اسلامی ما هم تحت رهبری دینی نبود، سرنوشتی چون انقلاب مشروطیت پیدا می‌کرد. هر انسان هوشمندی، وقتی توجه می‌کند که اولاً شروع این نهضت و پیروزی آن، ثانیاً بقای جمهوری اسلامی و مضمحل نشدن آن و ثالثاً مستقیم حرکت کردن جمهوری اسلامی و انحراف نشدن آن، به برکت دین و رهبری دینی است، پشت سر آن، یک نکته دیگر را هم می‌فهمد و آن نکته این است که دشمنان انقلاب اسلامی، چه در خارج و چه در داخل، سعی می‌کنند دین و رهبری دینی را از این انقلاب بگیرند.» (حدیث ولایت - بیانات، سال ۱۳۷۱، ص: ۱۳۹)

«متأسفانه تاریخ نهضت‌های اسلامی صد ساله اخیر یک نقیصه را در رهبری روحانیت نشان می‌دهد و آن این‌که روحانیت، نهضتهایی که رهبری کرده تا مرحله پیروزی بر خصم ادامه داده و از آن پس ادامه نداده و پی کار خود رفته و نتیجه زحمات او را دیگران و احياناً دشمنان برده‌اند. مانند این‌که کسی زمین غصب‌شده‌اش را با قدرت و شدت مطالبه کند و با صرف نیرو و بذل مال و جان آن را از دست دشمن بگیرد، اما همین‌که گرفت، برود به خانه خود بنشیند و یک دانه بذر هم در آن نپاشد، دیگران بروند از آن به سود خود استفاده کنند.

انقلاب عراق با پامردی روحانیت شیعه به ثمر رسید، اما روحانیت از ثمره آن بهره‌برداری نکرد و نتیجه‌اش را امروز می‌بینیم.

مشروطیت ایران را روحانیت به ثمر رسانید، اما آن‌را ادامه نداد و بهره‌برداری نکرد و لهذا طولی نکشید که یک دیکتاتوری خشن روی کار آمد و از مشروطیت جز نام باقی نماند، بلکه تدریجاً در مردم سوءظن پدید آمد که اساساً رژیم استبداد از رژیم مشروطه بهتر بوده است و مشروطیت گناه است.

حتی در جنبش تنباکو اظهار تأسف می‌شود که روحانیت با لغو امتیاز رژی کار خود را تمام‌شده تلقی کرد در صورتی که می‌توانست پس از آن آمادگی مردم، یک نظام واقعاً اسلامی به‌وجود آورد.» (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۴، ص: ۸۹)

سخن آخر: ۱۲ فروردین، گام اول در فراسوی پیچ بزرگ تاریخی

۱۲ فروردین روز تبدیل نهادها به بنیادها و سرد شدن حرارت انقلاب و پایان یک آغاز نبود بلکه تنها گام اول بود تا جامعه بشریت را به سوی پیچ بزرگی به راه بیاندازد که در وراء آن، قافله‌دار تمام بشریت به انتظار است.

«ما متکی به خدا هستیم و می‌خواهیم برای خدا کار بکنیم، می‌خواهیم اسلام را در ایران متحقق کنیم. نه در ایران در همه جا، در هر جا انسان هست، باید مسلم باشد. ان شاء الله. آرزوی ما این است. مثل این که آرزوی انبیا هم این بوده که همه بشر مسلمان باشند، یعنی توحیدی باشند و به انبیایشان معتقد باشند. راه بهشت را پیدا بکنند.» (صحیفه امام، ج ۱۱، ص: ۱۸۵)

«امید است با کمک و نصرت الهی، سایر ملل محروم و تحت سلطه جهان و به خصوص مسلمانان تحت ستم و مظلوم نیز با الهام‌گیری از مکتب حیات بخش اسلام بتوانند خود را از سلطه استعمارگران شرق و غرب نجات داده و در آینده نزدیک شاهد برقراری حکومت جهانی اسلام باشیم.» (صحیفه امام، ج ۱۹، ص: ۱۶۶)

«مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت- ارواحنا فداه- است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد....»

باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آن‌ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۳۲۷)

و در آخر این‌که:

حضرت امام^(ع) با وجود این که اجراکننده تئوری دیرپایه ولایت مطلقه فقیه با چشم انداز مهدویت بود ولی جمهوری اسلامی را مختص کشور شیعه ایران نمی‌دانست و در همین راستا با تصحیح رفتاری جمله مشهور حب الوطن من الایمان و عدم رویارویی با تعدد حکومت‌های کشورهای اسلامی، بی‌اعتنایی به تحمیل مرزهای فیزیکی بر مرزهای اعتقادات اسلامی و مصالح اسلام را رونق بخشید و نه تنها مسلمین را به تأثیرگذاری در سرنوشت همدیگر ترغیب نمود بلکه در واپسین ماه‌های عمر پر

برکت خویش طعم شیرین بیداری جهان اسلام بر محور پاسداری از ارزشهای اصیل اسلام را به همه مسلمانان چشاند و جهان سلطه را از آن هراساند.

«من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهان‌خواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست.» (صحیفه امام، ج ۲۰، ص: ۳۲۶)

و در پایان، این نوشتار را با یاد از یادگار امام^(ره) به پایان می‌بریم که: «امام به اترناسیونالیسم اسلامی فکر می‌کردند.» (مجموعه آثار یادگار امام، ج اول، ص: ۷۳۷)

«مسجد و سبک زندگی»

اشاره

سبک زندگی اسلامی، موضوعی است که این روزها- و پس از فرمایشات رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در خراسان شمالی- بیش از هر زمان دیگری به آن پرداخته می‌شود و در اطراف و ابعاد و جوانب آن نوشته‌ها و گفته‌های فراوانی به چشم می‌خورد. یکی از موضوعاتی که می‌تواند- و باید- به آن پرداخته شود، موضوع مهم «مسجد و سبک زندگی اسلامی» و نقش و جایگاه آن در ترسیم و تبیین و تحقق آن است. این مقاله در اندازه توان خود می‌کوشد از چند زاویه به این موضوع مهم بپردازد. با یادآوری این نکته که در این نوشتار ما به سرفصلهایی برای مطالعه و بحث و تحقیق پرداخته‌ایم.

مقدمه

سبک زندگی اسلامی، ترکیبی زیبا و بدیع از سه واژه پرکاربرد در جامعه امروز ما است، اگرچه چند سالی است کم و بیش به کار رفته است اما در چند ماه اخیر و پس از بیانات رهبر حکیم انقلاب اسلامی در جمع جوانان خراسان شمالی، بیش از هر زمان دیگر بدان پرداخته شده و می‌شود.

مفهوم‌شناسی سبک زندگی اسلامی و قلمرو و گستردگی یا محدودیت آن، امکان تحقق این مهم و راههای دستیابی به آن، تفاوت سبک زندگی اسلامی با سبک زندگی غربی، آسیب‌شناسی زندگی غربی و احصاء مصادیق آسیبهای موجود در زندگی کنونی ما و یا تحقق مصادیق عینی سبک زندگی اسلامی و... دهها موضوع دیگر، مسائلی است که باید به آن پرداخته شود و به‌مرور به شکل گفتمان رایج نخبگان و عموم مردم مسلمان مطرح گردد. یکی از مباحثی که در این باره قابل طرح و بحث است، موضوع «نقش و جایگاه نهادهای اجتماعی در تحقق سبک زندگی اسلامی است».

به باور ما، در بین نهادهای موجود در جامعه اسلامی، «خانواده، اولین و

اصلی‌ترین نهاد برای جریان سبک زندگی اسلامی» و «مسجد، محوری‌ترین نهاد برای جریان سبک زندگی اسلامی» است و پس از آن هر یک از اقشار مردم (به‌عنوان نهاد میانه) و سپس دولت و حاکمیت به‌عنوان بزرگ‌ترین نهاد اجتماعی باید سهم و جایگاه خود را در این باره ایفا نمایند.

نگاه تمدنی به سبک زندگی اسلامی

آنچه که تا به حال درباره «سبک زندگی» در جهان غرب و در عرض هفت دهه اخیر گفته شده و مطالبی را که در سالهای اخیر در تحقیقات و کندوکاوهای پژوهش دیده و خوانده‌ایم، هر یک از زاویه‌ای به این موضوع پرداخته‌اند، گروهی سبک زندگی را در حوزه روان‌شناسی و نظریه شخصیت مطرح کرده‌اند و عده‌ای نیز با نگاهی جامعه‌شناسانه به آن پرداخته‌اند. اما آنچه که از سخنان رهبر فرزانه انقلاب اسلامی به چشم می‌آید، نگاهی تمدن‌ساز و تمدنی به مقوله سبک زندگی اسلامی، به‌عنوان متن و حقیقت و جوهره نرم‌افزار تمدن اسلامی است - تفاوت نگاه ایشان با نگاههای دیگر - که در جای خود قابل توجه است - این است که دیدگاه‌های قبلی هر یک از زاویه‌ای به مسأله سبک زندگی پرداخته‌اند و از توجه به ابعاد دیگر آن بازمانده یا غفلت کرده‌اند اما در دیدگاه ایشان نگاه به سبک زندگی، دیدگاهی جامع‌الاطراف، ذو ابعاد و با ژرفا و تحقیقی بیشتر است. نگاهی که برخاسته از عمق و فکر و اندیشه فقیهی زمان‌شناس و دانشمند برجسته در علوم اسلامی و حاکمی مدبر و آینده‌نگر با تجربه‌ای بی‌بدیل از دانش و اندیشه و مدیریت کلان است. از این‌رو وقتی «خانواده» را به‌عنوان «اولین» و «اصلی‌ترین» نهاد و «مسجد» را «محوری‌ترین» آن در تحقق سبک زندگی اسلامی می‌نامیم، فقط از نگاه روان‌شناسی و تربیتی و جامعه‌شناختی نیست بلکه نگرشی است مبتنی بر نقش تمدن‌ساز خانواده، دینی و مسجد اسلامی در تحقق سبک زندگی اسلامی در جهان امروز. با این مقدمه به بیان و نسبت مسجد و سبک زندگی اسلامی می‌پردازیم.

انسان طراز اسلام، زندگی طراز اسلام، مسجد طراز اسلام

«انسان» را با «حیوان ناطق» تعریف می‌کنیم اما حقیقت این است که این تعریف حداقلی از انسان است. تعریف جامع‌تر و دقیق‌تر از انسان این است: «الانسان حی

مثالاً؛ انسان، زنده خداجوست. تفاوت این تعریف با تعریف رایج این است که «حیوان» به جنبه مَلُکی و خاکی و بعد حیوانی انسان اشاره دارد و «ناطق» به امتیاز انسان بر حیوان که «عقل» اوست می‌پردازد در حالی که «حی»، انسان را مظهر اسم «حی» خداوند متعال می‌کند و مثالاً به حقیقتی مهم‌تر از عقل او، فطرت خداجو و خدایاب و خدانشناس‌اش اشاره می‌کند. در این تعریف، انسان و مبدأ و مقصد و راه او مشخص می‌شود و نگاهی قرآنی و اسلامی به انسان می‌دهد. با این تعریف، «انسان طراز اسلام» را می‌توانیم به‌درستی جستجو کنیم و حقیقت او را ترسیم نماییم. (ر.ک تفسیر انسان به انسان علامه جوادی آملی)

با همین تعریف است که «زندگی» - جریان حیات آدمی است - معنا می‌یابد و به یک بازه زمانی هشتاد ساله ختم نمی‌شود بلکه به ابدیت منتهی می‌گردد. آنگاه، «معنای زندگی»، «هدف زندگی»، «فرهنگ زندگی» و سرانجام «سبک زندگی» هم به‌درستی تبیین می‌گردد و تفسیری روشن و واضح و بهجت‌افزا و یأس‌زدا می‌یابد و شور و نشاط واقعی پیدا می‌کند. این همان «حیات طیبه» است که در قرآن و روایات ما به آن اشاره شده که آمیزه‌ای از ایمان و عمل صالح مؤمنانه است. همان‌که به آن زندگی طراز اسلام می‌گوییم.

زندگی اسلامی و نقش مسجد در تحقق آن

بی‌تردید «جامعه اسلامی» باید نماد حیات طیبه اهل ایمان باشد و در عرصه زندگی فردی و اجتماعی، آموزه‌های اسلامی به چشم بیاید و جای خود را پیدا کند. این همان نگاه جامع به انسان، زندگی و جامعه است. همان‌که می‌تواند بستر ساز تمدن نوین اسلامی در زمان ما و زمینه‌ساز تمامیت آن در زمان حکومت امام زمان (عج) باشد.

در تمدن اسلامی و زندگی و جامعه اسلامی، مسجد کانون و هسته اصلی جامعه اسلامی است لذا، پدیدآوردن هویتی به نام مسجد، نخست در قبا و سپس در مدینه، در شمار زیباترین و پر ثمرترین ابتکارهای اسلام در آغاز تشکیل جامعه اسلامی است. (پیام مقام معظم رهبری به اجلاس بیرجند/ مهرماه/ ۸۹)

چرا که این مسجد است که در شکل‌دهی فرهنگ و ارتباطات اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و سیاسی، نقش مهم و اصلی را داشته است. به عبارتی، اساساً مسجد، در متن و زندگی مردم - و نه در حاشیه آن - حضوری جدی داشته است، آنسان که همه ابعاد حیات مدنی انسان مسلمان از مسجد آغاز و به مسجد ختم می‌شده است

لذا گزافه نیست اگر بگوییم بخش مهمی از هویت اسلامی انسان مسلمان و جامعه اسلامی به مسجد پیوند خورده است و از آن جدا شدنی نیست و جالب این است که این پیوند از جنبه ظاهری و آرایه معماری مسجد در زندگی مردم نمود پیدا کرده و تا عمق لایه‌های مختلف کارکردی مسجد- در همه ابعاد زندگی مردم- در مسجد طراز اسلام، تجلی یافته است. مسجدی که در نگاه تمدن‌ساز رهبر فرزانه انقلاب اسلامی چنین ترسیم شده است:

خانه خدا و خانه مردم، خلوت انس با خدا و جلوت حشر با مردم، کانون ذکر و معراج معنوی و عرصه علم و جهاد و تدبیر دنیوی، جایگاه عبادت و پایگاه سیاست، دوگانه‌های به هم پیوسته‌ای است که تصویر مسجد اسلامی و فاصله آن با عبادتگاه‌های رایج ادیان دیگر را نمایان می‌سازد. در مسجد اسلامی، شور و بهجت عبادت خالص با نشاط زندگی پاک و خردمندانه سالم، در هم می‌آمیزد و فرد و جامعه را به طراز اسلامی آن نزدیک می‌کند.....

و چه ترسیمی زیباتر از این در بیان نقش محوری مسجد در تحقق سبک زندگی اسلامی و جایگاه آن در گذشته و حال و آینده جامعه اسلامی.

در این منظر اگر «سبک» را قالب و «اسلامی» را محتوای آن بدانیم و تحقق سبک زندگی را بخش اصلی و نرم‌افزاری تمدن اسلامی به‌شمار آوریم، بی‌تردید باید نقش «مسجد» را هم در غبارزدایی و رونمایی و هم در تولید و بازآفرینی آن، بی‌بدیل بدانیم که هم می‌تواند در تولید «سبک» (به‌عنوان قالب) و هم در تبیین و ترویج و تحقق زندگی اسلامی (به‌عنوان محتوا)، تلاش نماید و به‌عنوان یکی از سامانه‌های اصلی «تبیین»، «تبلیغ»، «ترویج» و «تحقق» سبک زندگی اسلامی مطرح گردد.

نقش مسجد در تبیین و تبلیغ سبک زندگی اسلامی

در سخنرانی جامع و پر محتوای رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، تمدن اسلامی به دو بخش سخت‌افزاری (ابزاری) و نرم‌افزاری (اصلی و حقیقی) تقسیم شده است: این تمدن (نوین اسلامی) دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است، یک بخش دیگر متنی و اصلی و اساسی است... بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد، که همان «سبک زندگی» است. این بخش حقیقی و اصلی تمدن است.

سبک زندگی اسلامی در نگاه ایشان، یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی

است که زمینه‌ساز اصلی تحقق تمدن اسلامی است که در تعبیراتی دیگر با عنوان، «روش زندگی»، «رفتار اجتماعی»، «شیوه زیستن» نیز از آن یاد می‌شود.

یکی از نکات اصلی و راهبردی رهنمودهای ایشان در این سخنرانی و سخنرانی‌های دیگر- از این قبیل- این است که رسیدن به پیشرفت و الگوی اسلامی و ایرانی آن و در افق بلندتر، تحقق تمدن نوین اسلامی، دستوری نیست. باید برای این مهم گفت‌وگو سازی و فرهنگ‌سازی صورت بگیرد.

ایشان نقش فرهنگ‌سازی و گفت‌وگو سازی را متوجه این افراد و نهادها می‌کنند:

- نخبگان حوزه و دانشگاه
 - مدیران بسیاری از دستگاهها
 - رسانه‌ها که با تعلیم و تربیت سر و کار دارند
 - تربیون‌دارها
 - جوانان به‌عنوان آینده‌سازان جامعه
- برای این فرهنگ‌سازی باید گفت‌وگویی امیدآفرین و نقادانه، ناظر به رفع آسیب‌ها به‌وجود آید تا جامعه اسلامی با علاج ضعف‌ها و مشکلات، نشاط و پویایی خود را تقویت کرده و تداوم بخشد. در این میان باید به نقش مسجد به‌عنوان یک نهاد اصلی فرهنگ‌ساز و یک تربیون و رسانه عمومی توجه گردد و راهبردها و اقداماتی که باید توسط این کانون حیات طیبه و اهالی آن با محوریت امام جماعت انجام پذیرد مشخص و اجرایی گردد. راهبردها و اقداماتی مانند:

- زمینه‌سازی و بسترسازی برای ایجاد و تقویت گفت‌وگو میان اصلاح سبک زندگی موجود و رفع آسیب‌های آن با اقداماتی چون:

- هوشیارسازی افراد نسبت به آسیب‌های زندگی کنونی
- مطالعه و کسب دانش و مهارت لازم برای بیان هوشمندانه آسیب‌ها
- به‌کارگیری ظرفیت‌های موجود در محل و مسجد، برای رفع آسیب‌های موجود در محیط پیرامونی
- توجه به موضوعات و مصادیق عینی سبک زندگی اسلامی در برنامه‌های وعظ و خطابه

- طراحی و اجرای برنامه‌های فرهنگی (برپایی نمایشگاه، ارائه محصولات،

هم‌اندیشی و...) با محوریت مصادیق عینی سبک زندگی

- برنامه‌ریزی برای معرفی الگوهای برتر زندگی دینی، از معصومین (ع)، بزرگان

دین، شهدا و....

- پیش‌بینی برنامه‌های آموزشی، تربیتی با محوریت مهارت‌های زندگی اسلامی برای اقشار مختلف به‌ویژه نوجوانان و جوانان
 - از خود‌آغاز کنیم (تلاشی برای ترویج و تحقق سبک زندگی اسلامی)
 این سخن شهید مظلوم آیت الله بهشتی است که:
 هیچ تبلیغی برای اسلام به اندازه ساختن یک جامعه کوچک نمونه اسلامی نیست.

تبیین و تبلیغ دین و آموزه‌های دینی، آنگاه منجر به ترویج و تحقق آن خواهد شد که در بستری از نیت پاک و عمل صالح باشد و نقطه آغاز این تبلیغ و ترویج خود مبلغ و مروج دین و نهادهای دینی باشند. چنانچه اهالی یک مسجد در شهر اسلامی و آبادی‌های دینی ما در شرایط کنونی زندگی برای تحقق ۸ محور زیر تلاش کنند و در حد توان بکوشند، به جرأت می‌توان گفت، سهم عمده و نقش مؤثری را در تحقق زندگی اسلامی ایفا کرده‌اند، تلاشی که از صدها منبر و سخنرانی و تبلیغ بالاتر، والاتر و مقدس‌تر است:

۱. نظافت و آراستگی
 ۲. یاد و نام خدا در تار و پود مسجد (محوری)
 ۳. ولایت‌مداری
 ۴. ارتباطات مؤمنانه
 ۵. وحدت، تعاون و خدمتگزاران
 ۶. معرفت‌آموزی و اندیشه‌ورزی
 ۷. ترویج روحیه جهاد و حماسه
 ۸. امر به معروف و نهی از منکر
- چنانچه ذیل هریک از موارد فوق الذکر، برنامه‌ریزی و تلاشی مؤمنانه و دلسوزانه انجام پذیرد و امام جماعت به‌عنوان رکن اصلی فعالیت‌های مسجد و تحقق کارکردهای اسلامی آن با همراهی دیگر ارکان حاضر در خانه خدا و عموم هر مسجد، برای عینیت‌یافتن بخشی از همین مؤلفه‌ها پیشقدم و پیشتاز شوند، بسیاری از آسیب‌های موجود در سبک زندگی کنونی کاهش خواهد یافت و فضای جامعه اسلامی معطر به عطر اخلاقی الهی و مزین به زندگی ناب دینی خواهد شد.
- ان‌شاءالله در فرصتی دیگر به تبیین راهبردها و اقدامات پیشنهادی ذیل هر کدام

از موارد مطرح شده خواهیم پرداخت. امید است شما بزرگواران با مطالعه این نوشتار ناقص، در رفع کاستی‌ها و اصلاح آن و نیز تهیه و تنظیم و تدوین مقالات، طرح‌ها و برنامه‌های عملی و اجرایی مساعدت‌مان فرمایید.